



رسالة
توضیح المسائل

مناسک حج
مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر شیعه

حضرت آية الله العظمى

حاج شیخ محمدي تهرانی

۱۳۸۷ = رمضان المبارک ۱۴۲۹

سرشناسه: تهرانی، مجتبی.
عنوان و نام پدیدآور: رساله توضیح المسائل مناسک حج مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی
حاج شیخ مجتبی تهرانی.
مشخصات نشر: تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص.
شابک: ۱ - ۸۴۱ - ۳۰۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: عنوان دیگر: رساله‌ی مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجتبی تهرانی.
عنوان دیگر: رساله‌ی مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ مجتبی تهرانی.
موضوع: حج - فتاوا، فتواهای شیعه -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۱ ر ۵ ۹۶۵ ت / ۸ / ۱۸۸ BP
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷ / ۳۵۷
شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۷۳۸۳



انتشارات پیام آزادی

رساله توضیح المسائل

مناسک حج

مؤلف: حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مجتبی تهرانی

ناشر: انتشارات پیام آزادی

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپخانه: چار گل

انتشارات پیام آزادی: خیابان جمهوری اسلامی - بین بهارستان و استقلال

کوچه شهید مظفری پلاک ۱۱ - کدپستی ۱۱۴۶۸۱۳۴۱۵

تلفن: ۳۳۹۰۵۵۱۵ - ۳۳۹۳۶۲۹۴ - ۳۳۹۳۵۷۶۱ - نمابر: ۳۳۹۳۵۷۶۱

W W W. Payambooks. ir

Email: Zamani244@yahoo.com

فهرست

| | |
|----|------------------------------|
| ۹ | مقدمه |
| ۱۲ | شرائط و جوب حَجَّة الاسلام |
| ۲۲ | مسائل متفرقه‌ی استطاعت |
| ۲۷ | نیابت در حج |
| ۳۲ | حج استحبابی |
| ۳۳ | اقسام عمره |
| ۳۴ | اقسام حج |
| ۳۴ | صورت حج افراد و عمره‌ی مفرده |
| ۳۷ | صورت حج تمتع اجمالاً |
| ۴۱ | در بیان |
| ۴۳ | محل احرام عمره‌ی تمتع |
| ۴۸ | مسائل متفرقه میقات |
| ۵۱ | در واجبات احرام |
| ۶۰ | مستحبات احرام |
| ۶۳ | مکروهات احرام |

- ۶۵ محرمات احرام
- ۷۷ یازدهم - جدال است و آن گفتن «لَا وَاللَّهِ» و «بَلَىٰ وَاللَّهِ»
- ۹۳ مسائل متفرقه محرمات احرام
- ۹۵ مستحبات دخول حرم
- ۹۶ مستحبات دخول مکه معظمه
- ۹۶ آداب دخول مسجد الحرام
- ۱۰۱ طواف واجب و بعضی از احکام آن
- ۱۰۲ واجبات طواف
- ۱۲۳ مسائل متفرقه طواف
- ۱۲۶ آداب و مستحبات طواف
- ۱۲۹ نماز طواف
- ۱۳۳ مستحبات نماز طواف
- ۱۳۵ در سعی و بعضی احکام آن
- ۱۴۰ مسائل متفرقه سعی
- ۱۴۱ مستحبات سعی
- ۱۴۵ تقصیر و بعضی احکام آن
- ۱۴۶ مسائل متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع
- ۱۴۷ تبدیل حج تمتع به افراد
- ۱۵۱ احرام حج
- ۱۵۳ مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

| | |
|-----|---------------------------------|
| ۱۵۵ | وقوف به عرفات |
| ۱۵۸ | مستحبات وقوف به عرفات |
| ۱۶۴ | در وقوف به مشعر الحرام |
| ۱۶۹ | مستحبات وقوف به مشعر الحرام |
| ۱۷۲ | واجبات منی |
| ۱۷۶ | مستحبات رمی جمرات |
| ۱۷۷ | دوم - ذبح (قربانی) |
| ۱۸۹ | سوم - تقصیر یا حلق |
| ۱۹۶ | واجبات بعد از اعمال منی |
| ۲۰۱ | مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی |
| ۲۰۲ | بیتوته به منی |
| ۲۰۶ | مسائل متفرقه بیتوته به منی |
| ۲۰۷ | رمی جمرات سه گانه |
| ۲۱۴ | مستحبات منی |
| ۲۱۷ | استحباب عمره‌ی مفرده |
| ۲۱۷ | طواف وداع |
| ۲۱۸ | مسائل متفرقه |
| ۲۲۴ | محصور و مصدود |

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاس گذاریم که در پی انتشار رساله توضیح المسائل مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مجتبی تهرانی دامت برکاته، توفیق یافتیم تا رساله مناسک حج معظم له را نیز تقدیم محضر مشتاقان نماییم.

آن عبد صالح پروردگار در خودسازی و تهذیب نفس مصداق بارز «صائناً لنفسه» در صیانت از شرع، ترویج دین و تربیت نفوس نمونه روشن «حافظاً لدينه»، در ترک هوای نفس و زهد و تقوی مظهر کامل «مخالفاً على هواه» و در بندگی و سیر و سلوک الی الله و پیروی از موالی خود، به ویژه حضرت بقیه الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه آشکار «مطیعاً لامر مولا» است.

این ویژگی ها و مراتب بالای علم و عمل و نیز عرفان و اخلاص معظم له موجب گردیده تا خیل عظیمی از شاگردان، ارادتمندان و مقلدان عمل به فتاوی و نظرات حضرت ایشان را به عنوان حجت منصوب از طرف امامان معصوم علیهم السلام بر خود فرض بدانند. به همین دلیل است که بعد از چاپ چند باره رساله توضیح المسائل در مدتی کوتاه، در خواست های متعددی از اطراف کشور برای انتشار مناسک حج نیز دریافت شد و در نهایت موجب صدور اذن آن از سوی این عالم ربانی گردید.

لازم به توضیح است که برای سهولت مراجعه مقلدان عزیز و مبلغان گرامی، بنا بر رسم متعارف و معهود در جامعه علمی و دینی، فتاوی معظم له براساس ترتیب رساله های موجود فارسی مناسک تنظیم شد. در این مرحله آخرین فتاوی حضرت استاد توسط بعضی از شاگردان معظم له وارد در متن مناسک امام راحل رضوان الله تعالی علیه شد و سپس به طور کامل توسط شخص ایشان مورد بازبینی و نظارت قرار گرفت. بشارت می دهیم که به لطف خداوند، در مراحل بعدی تفاوت فتاوی و حواشی و استفتائات حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مجتبی تهرانی دامت برکاته نیز برای استفاده همگان، خصوصاً اهل تحقیق و تبلیغ، منتشر خواهد شد.

بار دیگر خداوند مَنان را بر این توفیقات شکر گزاریم و دوام سلامت و برکات وجود مبارک ایشان را آرزو می کنیم. همچنین از محضر مبارک معظم له و دفتر ایشان نیز به دلیل آماده سازی و اذن انتشار این مجموعه به این مؤسسه صمیمانه قدردانی و تشکر می نماییم.

مقدمه

بدان که بر هر مکلف که جامع شرائط باشد وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن بشمار می‌رود. ترک حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است؛ البته اگر انکار او به انکار توحید یا رسالت برگردد. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».

شیخ کلینی (قده) به طریق معتبر از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت نموده که: هر کس از دنیا رود و حجة الاسلام را به جا نیاورد بدون این که او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آن که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید چنین کسی در حال مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا

خواهد رفت.

این آیه و این روایت، در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چونکه مستحبات حج، بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله و امی گذاریم که به جا آوردن آنها بامید ثواب اشکالی ندارد.

و نظر به این که این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک، که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعض مسائل و شرائط وجوب حجة الاسلام و بعض مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مساله دیگر بیان می شود:

[۱] م - حجة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع

است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

[۲] م - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است، یعنی

واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و هم چنین...

[۳] م - اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر

مقدماتی مثل سفر و تهیهی اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب

است به طوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می‌شود که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود.

شرائط و جوب حجة الاسلام

با چند شرط، حج واجب می شود و بدون وجود تمامی آنها حج واجب نیست.

اول و دوم - بلوغ و عقل. پس بر کودک و دیوانه حج واجب نیست.

[۴] م - اگر غیر بالغ حج به جا آورد صحیح است، هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی کند.

[۵] م - اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام بالغ باشد کفایت از حجة الاسلام می کند و هم چنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود.

[۶] م - کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد معلوم شد بالغ بوده حج او کفایت از حجة الاسلام می کند با این فرض که جمیع شرایط دیگر نیز وجود داشته باشد.

[۷] م - از برای بچه‌ی ممیز، مستحب است حج رفتن، و صحیح است حج او مگر آنکه ولی او را منع کند، لکن بعد از بالغ

شدن، اگر استطاعت داشت باید حج برود و حج زمان کودکی کافی نیست.

[۸] م - مستحب است ولی طفل غیر ممیز او را محرم کند و لباس احرام به او بپوشاند، و نیت کند که این طفل را برای حج محرم می‌کنم یا این طفل را معتمر می‌کنم به عمره تمتع، و اگر می‌شود، تلبیه را به او تلقین کند، والا خودش بعوض او بگوید.

[۹] م - مراد از ولی در این جا همان ولی شرعی است و مادر هم در این مورد ملحق به ولی شرعی است.

[۱۰] م - بعد از آن که طفل محرم شد یا او را محرم کردند باید ولی، او را از محرّمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست خود ولی او را از محرّمات حفظ کند.

[۱۱] م - بعد از این که طفل محرم شد، اگر محرّمات احرام را بجا آورد یا ولی، او را از آنها باز نداشت کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنا بر اقوی در صید و ظاهراً در غیر صید نه بر ولی واجب است و نه در مال طفل، و پول قربانی و کفاره‌ی صید بر ولی واجب است.

[۱۲] م - گوسفند قربانی برای حج، بر عهده ولی طفل است.

[۱۳] م - تمام اعمال حج و عمره را باید ولی، طفل را وادار

کند که به جا آورد و اگر نمی‌تواند، ولی او به نیابت طفل به جا آورد.

[۱۴] م - اگر طفل نابالغ قبل از این که در میقات محرم شود بالغ شد، حج او حجة الاسلام است، اگر از همانجا که محرم می شود مستطیع باشد.

سوم: حریت

چهارم: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و توانائی و باز بودن راه و آزادی آن و همچنین وسعت وقت و کفایت آن لازم است ولی جزء معنای استطاعت نیست.

[۱۵] م - استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد و راحله که توشه راه و مرکب سواری است اگر به آن نیاز داشته باشد و چنانچه عین آنها را در اختیار ندارد کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگر داشته باشد که ممکن است آن را صرف در تهیهی آنها نماید، و شرط است که مخارج برگشتن را نیز داشته باشد اگر قصد برگشتن به وطن داشته باشد یا جایی که دور از وطن باشد و در غیر این دو صورت تا محلی که می خواهد برود. و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان می شود.

[۱۶] م - شرط است در وجوب حج، علاوه بر مصارف رفتن و برگشتن، این که ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد و مناسب شأن او است، داشته باشد، مثل خانهی مسکونی و اثاث خانه و وسیلهی سواری و غیر، آن در حدی که مناسب با شأن او باشد، و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی

که بتواند آنها را تهیه کند، داشته باشد.

[۱۷] م - اگر ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف

کند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

[۱۸] م - کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم

دارد، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد. و منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد بلکه همین اندازه که ازدواج از شئون زندگی او بوده و در صدد آن باشد کفایت می‌کند.

[۱۹] م - کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه‌ی شرائط

استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده یا حالّ است و می‌تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقّت، آن را بگیرد واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج برود، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود و هم چنین اگر وقت طلب او نرسیده و مدیون بخواهد بپردازد لازم است طلبکار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود، ولی اگر مدیون نمی‌خواهد بپردازد مطالبه واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

[۲۰] م - اگر غیر مستطیع، مصارف حج را قرض کند و ادای

آن آسان باشد، حج بر او واجب می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند، لکن واجب نیست قرض کند.

[۲۱] م - کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه بدهی او مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادای بدهی، تمکن از اداء آن را دارد، واجب است به حج برود، و همچنین در صورتی که وقت اداء بدهی، رسیده لکن طلبکار راضی به تأخیر اداء باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می‌تواند بدهی را بدون حرج و مشقت اداء نماید و در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

[۲۲] م - کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر آنها مخارج حج را داشته باشد. ولی در هر حال تصرف در اموالی که خمس یا زکات آنها را نداده جایز نیست.

[۲۳] م - کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می‌تواند در مال تصرف کند و خود را از استطاعت مالی هم خارج کند ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد، حج بر او مستقر می‌شود و باید بهر نحو است به حج برود.

[۲۴] م - اگر در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت ندارد و در سالهای دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند در مال تصرف کند

و خود را از استطاعت خارج نماید.

[۲۵] م - کسی که استطاعت حج دارد باید خرجهای مقدماتی را، از قبیل خرج تذکره و ویزا و ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرجها موجب سقوط حج نمی‌شود، ولی اگر استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست.

[۲۶] م - اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمولی باشد و همینطور قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد باید حج برود، و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که بقدری زیاد باشد که موجب حرج و مشقت در زندگانی شود که حرج و مشقت در این جا نسبت به وضعیت هر کس جداگانه سنجیده می‌شود.

[۲۷] م - شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملکی که مورد نیاز یا در شأن او است دارد باید بفروشد و به حج برود اگر چه به واسطه‌ی مشتری نداشتن بکمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آن که فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود یا مصداق اتلاف مال باشد و یا اجحاف به او محسوب گردد.

[۲۸] م - کسانی که کتب یا هر مال دیگری زیاد دارند و محل احتیاج آنها نیست و اگر زائد را بفروشند بقدر مؤونه‌ی حج می‌شود و سایر شرایط را نیز دارا باشند واجب است به حج بروند، بلکه اگر از کتب موقوفه رفع احتیاج می‌شود و کتاب ملکی بقدر

حج هست واجب است حج بروند به شرط آن که کتابهای موقوفه در معرض زوال نباشد.

[۲۹] م - اگر شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه و تحقیق هم به سهولت ممکن باشد احتیاط واجب آن است که تحقیق کند، و فرقی نیست در وجوب تحقیق، میان آن که مقدار مال خود یا مقدار مخارج حج را نداند.

[۳۰] م - اگر نذر کند که در روز عرفه کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند، نذرش صحیح است، لکن اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد باید حج برود، و نذر مانع از حج نمی شود، و اگر نرفت حج بر او مستقر می شود، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج رفت تخلف نذر موجب کفاره نمی شود، ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد کفاره نذر را باید بدهد.

[۳۱] م - اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی می شود باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد، اگر حج اهمیتش بیشتر است باید برود، والا نباید برود، لکن اگر رفت و حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کرد معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

[۳۲] م - اگر با اعتقاد به این که مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده در صورتی که حج او به قصد قربت بوده باشد مجزی است و کفایت از حجة الاسلام

می‌کند.

[۳۳] م - اگر شخص، زاد و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج به جا آور و نفقه تو و عائلهات بر عهده‌ی من، با اطمینان به وفاء و عدم رجوع باذل، حج واجب می‌شود و این حج را بذلی می‌گویند و در آن رجوع به کفایت که از شرائط وجوب است شرط نیست، بلی اگر قبول بذل و رفتن به حج موجب اخلال در امور زندگی او شود واجب نیست.

[۳۴] م - اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند را به او ببخشند برای این که حج به جا آورد، باید قبول کند و حج به جا آورد مگر آنکه قبول آن موجب ذلت و مهانت او باشد. و همچنین اگر واهب بگوید مخیری بین این که حج به جا آوری یا نه. ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد قبول واجب نیست.

[۳۵] م - باذل می‌تواند از بذلش برگردد، ولی اگر در بین راه باشد باید نفقه‌ی برگشتن او را بدهد، و اگر بعد از احرام رجوع کند باید نفقه‌ی اتمام حج را نیز بپردازد.

[۳۶] م - پول قربانی در حج بذلی بر عهده‌ی باذل است ولی کفارات بر عهده‌ی او نیست و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی‌شود مگر در صورتی که خود توانایی خرید آن را از مال خود داشته باشد. بلی اگر پرداخت پول قربانی موجب ناراحتی مالی او شود قبول بر او واجب نخواهد بود.

[۳۷] م - کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع می‌شود، حج بر او واجب می‌شود هر چند اجاره بر او واجب نبوده است ولی بعد از آن مستطیع می‌شود و باید حج به جا آورد.

[۳۸] م - کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت در صورتی که حج نیایی مقید به همان سال نباشد حج خود را مقدم بدارد ولی در صورتی که استیجار برای سال اول باشد باید حج نیایی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج به جا آورد.

[۳۹] م - شرط است در استطاعت که مخارج عائله‌اش را تا برگشت از حج داشته باشد هر چند عائله واجب‌النفقه‌ی او نباشند.

[۴۰] م - شرط است در استطاعت، رجوع به کفایت، یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک، مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به شدت و حرج نیفتد و اگر قدرت بر کسب لائق به حالش هم داشته باشد کافی است و اگر بعد از مراجعت نیاز به مثل زکاة و خمس و سایر وجوه شرعیه داشته باشد کفایت نمی‌کند مگر آنکه زندگی او به نحوی باشد که پس از بازگشت در آن تفاوتی پدید نیاید، بنابراین بر طلاب و اهل علمی که در بازگشت از حج نیاز به شهریه‌ی حوزه‌های علمیه دارند حج واجب نیست.

[۴۱] م - شرط است در وجوب حج، استطاعت بدنی و استطاعت از جهت باز بودن راه و استطاعت زمانی، پس بر مریضی که قدرت رفتن به حج ندارد یا بر او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی تواند به حج برسد نیز واجب نیست ولی اگر کسی قبلاً قدرت رفتن به حج را داشته ولی حالا به سبب مریضی قدرت بدنی از او سلب گردیده است در صورت یأس از بهبودی باید فوراً نایب بگیرد و الا صبر کند تا مباشرتاً حج را به جا آورد.

[۴۲] م - اگر با وجود شرائط استطاعت، حج را ترک کرد حج بر او مستقر می شود و باید بعداً به هر نحو می تواند به حج برود، مگر اینکه جاهل قاصر یا غافل بوده و پس از رفع جهل یا غفلت هم از استطاعت افتاده و رفتن به حج هم برای او حرجی باشد.

[۴۳] م - مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی کند، مگر در مورد مریض یا پیر، به شرحی که بعداً بیان می شود.

[۴۴] م - کسی که خودش مستطیع است نمی تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی به جا آورد، و اگر حج نیابی یا استحبابی به جا آورد باطل است، ولی اگر حج را به قصد قربت مطلق بجا آورده باشد از حجة الاسلام کفایت می کند.

[۴۵] م - کسی که حج بر او مستقر شد و بجا نیاورد تا فوت شد، باید از ترکه‌ی او برایش حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند و تا حج او را ندهند، ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند و لازم است در همان سال فوت، حج را اداء نمایند و تأخیر از آن جایز نیست، و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه خارج می‌شود، و هم چنین اگر در آن سال از میقات نتوانند اجیر بگیرند مگر به‌زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند، و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیندازند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث، حج او واجب نمی‌شود.

مسائل متفرقه‌ی استطاعت

[۴۶] م - اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن او، از ارث شوهر، استطاعت مالی پیدا کند ولی از جهت مرض نتواند به حج برود، در صورتی که مرض او به‌نحوی است که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست و همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت یا صنعتی که بتواند بعد از برگشتن از حج، زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع

نمی‌شود، هر چند ارثی که برده، برای رفتن به حج و برگشتن کافی باشد.

[۴۷] م - زنی که مهریه‌اش وافی برای مخارج حج هست و آن‌را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش تمکن از ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه‌ی آن برای زن مفسده‌ای ندارد، با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد، لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد، مثل این که ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد، مستطیع نشده است.

[۴۸] م - با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات، شخص مستطیع نمی‌شود و اگر به مکه برود، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند، مگر آنکه از سهم فی سبیل الله به او داده شده باشد.

[۴۹] م - اگر کسی منزل گران قیمتی دارد و در صورتی که آن‌را بفروشد و منزل ارزان‌تر بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود، چنانچه منزلی که دارد زائد بر شئون او نباشد لازم نیست آن‌را بفروشد و با این فرض مستطیع نیست و اگر زائد بر شئون او باشد، با وجود سایر شرائط مستطیع است.

[۵۰] م - کسی از راه کسب یا غیر کسب مخارج رفتن و

برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج، مقداری از مؤنه‌ی زندگی خود را از درآمد کسب، مثل منبر و بقیه را از شهریه‌ای که از وجوه شرعیه است تأمین می‌کند، اگر در راه اداره‌ی زندگی بعد از مراجعت از حج، نیاز به شهریه داشته باشد مستطیع نیست، اما اگر پس از بازگشت، تفاوتی در زندگی او پیدا نمی‌شود، مستطیع است.

[۵۱] م - اگر کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی مستطیع نمی‌شود هر چند پولی که به دست آورده، برای مخارج حج کافی باشد.

[۵۲] م - اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، بجهت کسالت، برای او مقدور نباشد و غیر از هواپیما وسیله‌ی دیگری برای او فراهم نباشد در صورتی که امید به بهبودی ندارد واجب است فوراً نایب بگیرد، والاّ نمی‌تواند نایب بگیرد و باید در وقت تمکن به حج برود و اگر متمکن نشد تا فوت شد باید از ترکه‌اش برای او حج بدهند و اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته، در فرض مزبور مستطیع نشده است.

[۵۳] م - هر گاه زنی با کسب می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجش را نیز دارد و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای مخارج به‌زحمت می‌افتد اگر به زحمت

افتادن شوهر، موجب حرج برای زن نباشد مستطیع است و باید به حج برود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمی‌شود. [۵۴] م - کسی که در محل خودش مستطیع نیست، واجب نیست به حج برود، هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج از آنجا را با همه‌ی شرایط دیگر داشت مستطیع می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

[۵۵] م - کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و در قرعه‌کشی شرکت نموده و از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود و رفتن به حج از طرق قانونی دیگر هم برای او ممکن نباشد مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود و در سال‌های بعد در قرعه‌کشی شرکت کرد حج بر او مستقر شده است هر چند قرعه به نام او اصابت نکند.

[۵۶] م - کسی که برای حج نیابتی، اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد، باید حج نیابتی را به جا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد ولی اگر حج نیابتی مقید به آن سال نباشد، اول باید حج خود را بجا آورد.

[۵۷] م - در حصول استطاعت فرقی نیست بین این که در

شهر حج یعنی شوال و ذیقعدہ و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر بعد از اتمام موسم حج تا موسم حج آینده استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرائط موجود باشد نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند، حتی در اوائل سال و قبل از ماه های حج.

[۵۸] م - خدمه ی کاروانها که وارد جدّه می شوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت، مثلاً کار و صنعت و غیر آن، که با آنها می توانند پس از مراجعت ادامه ی زندگی مناسب خود را بدهند، مستطیع هستند و باید حجة الاسلام به جا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند، و چنانچه سایر شرایط را ندارند به مجرد امکان حج، برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را به جا آورند، و حکم روحانی کاروان نیز همین است لکن اگر بعد از مراجعت از مکه نیاز به شهریه ی حوزه دارند مستطیع نمی شوند.

[۵۹] م - پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات جامع شرایط استطاعت هستند، واجب است حجة الاسلام به جا آورند هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند، مگر آنکه تمام مدت حج تمتع را در اختیار ماجر

قرار داده باشند بطوری که نتوانند وظایف خود را انجام دهند.

نیابت در حج

[۶۰] م - در نائب اموری شرط است:

۱ - بلوغ، بنابر احتیاط واجب، مگر در حج مستحبی.

۲ - عقل.

۳ - ایمان.

۴ - وثوق و اطمینان به انجام دادن او و اگر نایب ثقه باشد، اخبار او کافی است. اما بعد از اجراء عمل نائب، لازم نیست اطمینان به صحت آن، و در صورت شک در صحت، حکم به صحت می شود و استنباه صحیح است هر چند قبل از عمل شک داشته باشد، ولی اگر قبل از عمل شک داشته باشد که اعمال را صحیح انجام می دهد یا نه، استنباه جایز نیست.

۵ - معرفت نائب به افعال و احکام حج ولو با ارشاد کسی

در حال عمل.

۶ - ذمه‌ی نائب، مشغول به حج واجب در آن سال نباشد،

مشروط به آنکه نایب علم به آن وجوب داشته باشد.

۷ - معذور در ترک بعض افعال حج نباشد.

[۶۱] م - در منوب عنه اموری شرط است:

۱ - اسلام

۲ - در حج واجب شرط است که منوب عنه فوت شده باشد یا اگر زنده است حج بر او مستقر شده و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن آن نیست یا از جهت پیری نتواند به حج برود و در حج استحبابی این شرط نیست و در منوب عنه بلوغ و عقل شرط نیست و مماثله بین نائب و منوب عنه نیز شرط نیست ولی اگر منوب عنه مرد و زنده باشد که به خاطر عدم تمکن نمی تواند حجة الاسلام را بجا آورد، احتیاط واجب آن است که مودی را که تا کنون به حج نرفته به نیابت خود به حج بفرستد. و جایز است کسی که تا کنون به حج نرفته و مستطیع نیست برای دیگری نائب شود.

[۶۲] م - نائب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

[۶۳] م - ذمه منوب عنه فارغ نمی شود مگر به این که نائب، عمل را صحیحاً انجام دهد. بلی اگر نائب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است و در اجراء این حکم در حج تبرعی اشکال است بلکه در غیر حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.

[۶۴] م - لباس احرام و پول قربانی در حج نیابی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد و

همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد کفاره بر عهده‌ی خود او است نه مستأجر.

[۶۵] م - نائِب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

[۶۶] م - اگر نائِب طواف نساء را صحیحا انجام ندهد زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

[۶۷] م - استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه‌ی او عدول به افراد است برای کسی که وظیفه‌ی او حج تمتع است صحیح نیست، بلی اگر در سعه وقت او را اجیر کرد و بعد وقت ضیق شد باید عدول کند و بنا بر احتیاط از منوب عنه مجزی نیست.

[۶۸] م - در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست و در غیر واجب مانع ندارد.

[۶۹] م - کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت حج نرفته، اگر به واسطه‌ی مرض، یا پیری قدرت رفتن ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد واجب است نائِب بگیرد، در صورتی که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن نداشته باشد، و به احتیاط واجب باید فوراً نائِب بگیرد و اگر مستقر نشده باشد بر او، اقوی عدم وجوب است.

[۷۰] م - بعد از آن که نائِب عمل را به جا آورد، حج از

معذور ساقط می‌شود و لازم نیست خودش حج کند اگر چه عذرش بر طرف شود و اما اگر قبل از اتمام حج عذر بر طرف شد، چه قبل از احرام یا بعد باید خودش حج برود.

[۷۱] م - کسی که حج بر او واجب باشد چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جائز نیست نیابت کند از غیر، و اگر نیابت کند باطل است، چه عالم به حکم باشد یا نباشد.

[۷۲] م - اگر اجیر برای حجة الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد کفایت می‌کند از حج کسی که برای او به جا آورده است، و لازم نیست حج کردن برای او و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرند، و همین حکم را دارد کسی که برای خودش به حج برود.

[۷۳] م - اگر کسی را برای حج اجیر کردند و قرار نگذاشتند که اجرت برای خصوص عمل باشد یا در مقابل عمل و رفت و آمدها باشد پس اگر قبل از داخل شدن در حرم مرد، ظاهراً مستحق اجرت رفتن تا محل موت می‌باشد، و همین طور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آن چه ذکر شد واجرت احرام مستحق نیست، اگر چه حج از میت ساقط می‌شود، و اگر بعضی اعمال را به جا آورد و مرد مستحق اجرت آن اعمال نیز می‌باشد، و اگر اعمال را به نحوی به جا آورده است که در عرف

گفته شود که عمره و حج را به جا آورد، مستحق تمام اجرت است، اگر چه بعضی اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیانا ترک کرده باشد. و اگر مورد اجاره برائت ذمه منوب عنه از حج باشد مستحق تمام اجرت است.

[۷۴] م - کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه، و خودش حج واجب به جا نیاورد، احتیاط، آن است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره‌ی مفرده به جا آورد و این احتیاط واجب نیست لکن خیلی مطلوب است.

[۷۵] م - کسی که اجیر شده برای حج، تمتع می‌تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره‌ی مفرده بعد از عمل حج، چنانچه می‌تواند برای خودش طواف و عمره‌ی مفرده به جا آورد.

[۷۶] م - کسی که عذر داشته باشد از بعضی اعمال حج، نمی‌شود او را اجیر کرد برای حج، و اگر شخص معذور از بعضی اعمال، تبرعا از غیر، حج بکند اکتفا کردن به آن اشکال دارد.

حج استحبایی

[۷۷] م - مستحب است کسی که شرائط و وجوب حج را ندارد از بلوغ و استطاعت و غیر آنها، در صورت امکان حج به جا

آورد و هم چنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده است مستحب است دو مرتبه به حج برود و تکرار حج در هر سال مستحب است. و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت برگشتن نماید و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد.

[۷۸] م - مستحب است تبرعاً از طرف خویشاوندان یا غیر آنها حج به جا آورد، چه زنده باشند یا مرده و همچنین از طرف معصومین و نیز طواف از طرف آنها و غیر آنها مستحب است به شرط آن که معذور باشند.

[۷۹] م - کسی که زاد و راحله ندارد مستحب است قرض کند و به حج برود، در صورتی که می تواند قرض را اداء کند.

[۸۰] م - با مال حرام جایز نیست به حج برود و اگر مال او مشتبّه است و علم به حرمت آن ندارد، می تواند آن را صرف کند.

[۸۱] م - بعد از فارغ شدن از حج استحبایی می تواند ثواب آن را به دیگری هدیه کند، همچنان که در وقت شروع می تواند آن را نیت کند.

[۸۲] م - کسی که مال ندارد تا با آن حج به جا آورد مستحب است ولو با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری نیز به حج برود.

اقسام عمره

[۸۳] م - عمره هم مانند حج دو قسم است: «واجب» و «مستحب». و بر کسی که شرائط استطاعت را داشته باشد یک

مرتبۀ در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می‌شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد باید حج به جا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند، مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است، هیچ‌گاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است، بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه‌ی آنها حج و عمره‌ی مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

[۸۴] م - واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود واجب است عمره‌ی مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.

[۸۵] م - تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و اقوی عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است.

اقسام حج

حج سه قسم است: «تمتع»، «قران»، «افراد». تمتع، وظیفه‌ی کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند. و مراد از فرسخ، فرسخ شرعی است که معادل ۲۲/۵ کیلو متر است.

قران و افراد بر غیر آنها واجب می‌شود و این تفصیل در حَجَّة الاسلام است.

صورت حج افراد و عمره‌ی مفرده

[۸۶] م - صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلای متمتع می‌شود، از این قرار است که: زن حائض یا کسی که به واسطه‌ی ضیق وقت نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را به جا آورد، باید قصد کند حج افراد را، و به همان احرام عمره‌ی تمتع، که عدول به افراد کرده، برود به عرفات و مثل سایر حجاج وقوف کند، بعد از آن برود به مشعر و وقوف کند، بعد برود به منی و اعمال منی را به جا آورد مگر هَدی را که بر او واجب نیست. بعد برود به مکه و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، پس در این وقت از احرام خارج می‌شود، بعد از آن برگردد به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، به همان نحو که سایر حجاج به جا

می‌آورند، پس صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هَدّی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست ولی استحباب دارد.

[۸۷] م - صورت عمره مفرده - که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شد، بعد از حج به جا آورد - آن است که خارج شود به ادنی الحل، و افضل آن است که از «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که از همه نزدیکتر به مکه است محرم شود، و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر تراشد و طواف نساء به جا آورد و نماز طواف بخواند.

[۸۸] م - «عمره‌ی مفرده» با «عمره‌ی تمتع» که تفصیلاً خواهد آمد در صورت فرق ندارند، مگر در سه چیز:
اول - آن که در عمره‌ی تمتع باید تقصیر کند، یعنی از مو یا ناخن خود باید بگیرد، و سر تراشیدن جایز نیست و در عمره‌ی مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر.
دوم - آن که در عمره‌ی تمتع طواف نساء ندارد و در عمره‌ی مفرده دارد.

سوم - آن که میقات عمره‌ی تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آن می‌آید.

و میقات عمره‌ی مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی

از مواقبت پنبگانه محرم شود.

[۸۹] م - کیفیت افعال حج افراد، از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه، عین کیفیت حج تمتع است، و در احکام، مشترک هستند، و کیفیت افعال عمره‌ی تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال، عین کیفیت عمره‌ی مفرده است.

[۹۰] م - عمره‌ی تمتع را اگر کسی به جا بیاورد، کافی از عمره‌ی مفرده است.

[۹۱] م - کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است، مثل اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند بنا بر احتیاط واجب، عمره‌ی مفرده بر او واجب است ولی کسی که عمره‌ی تمتع بجا آورد. مجزی از عمره‌ی مفرده است.

[۹۲] م - کسی که محرم شد به احرام عمره‌ی مفرده‌ی حرام می‌شود بر او جمیع چیزهایی که در احرام تمتع گفته شد و بعد از آن که تقصیر کرد یا سر تراشید، همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آن که طواف نساء را با نمازش به جا آورد، زن هم بر او حلال می‌شود.

[۹۳] م - طواف نساء را در عمره‌ی مفرده، باید بعد از تقصیر یا سر تراشی به جا آورد.

[۹۴] م - کسی که به احرام عمره‌ی مفرده وارد مکه شده، اگر احرامش در ماههای حج بوده، جایز است که آن را عمره‌ی تمتع قرار دهد و دنبال آن، حج تمتع به جا آورد و در این صورت هدّی بر او واجب می‌شود.

صورت حج تمتع اجمالاً

بدان که حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی «عمره‌ی تمتع» و دیگری «حج تمتع». و عمره‌ی تمتع مقدم است بر حج. و عمره‌ی تمتع مرکب است از پنج جزء:

اول - احرام.

دوم - طواف کعبه

سوم - نماز طواف

چهارم - سعی بین کوه صفا و مروه.

پنجم - تقصیر، یعنی گرفتن قدری از موی یا ناخن.

و چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه‌ی

احرام بستن حرام شده بود حلال می‌شود.

و حج تمتع مرکب است از سیزده عمل:

اول - احرام بستن در مکه.

دوم - وقوف به عرفات.

سوم - وقوف به مشعر الحرام.

چهارم - انداختن سنگریزه به جمره‌ی عقبه در منی.

پنجم - قربانی در منی.

ششم - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم - طواف زیارت در مکه.

هشتم - دو رکعت نماز طواف.

نهم - سعی بین صفا و مروه.

دهم - طواف نساء.

یازدهم - دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم - ماندن به منی، شب یازدهم و شب دوازدهم، و

شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص.

سیزدهم - در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، و

اشخاصی که شب سیزدهم در منی ماندند روز سیزدهم باید رمی

جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل

آنها بعداً ذکر می‌شود.

[۹۵] م - لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به

عمره و حج بداند ولو اجمالاً، و کافی است که نیت کند عمره‌ی

تمتع را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده، و همین طور

حج تمتع را به نحوی که واجب است بر او، و کیفیت و تفصیل هر

یک را از رساله در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن

اجمالی آن بہتر و موافق احتیاط است.

در بیان

اعمال عمره‌ی تمتع و حج تمتع

تفصیلاً و در آن دو باب است:

باب اول:

اعمال عمره‌ی تمتع

و در آن هفت فصل است:

فصل اوّل

محل احرام عمره‌ی تمتع

[۹۶] م - بدان که محل احرام بستن برای عمره‌ی تمتع، که آن را میقات می‌نامند، مختلف می‌شود به اختلاف راه‌هایی که حجاج از آنها به طرف مکه می‌روند، و آن پنج محل است: اول - مسجد شجره است که آن را «ذو الحلیفه» می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه‌ی منوره به مکه می‌روند.

[۹۷] م - جائز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام.

[۹۸] م - احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

[۹۹] م - شخص جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

[۱۰۰] م - اگر جنب به واسطه‌ی زیادی جمعیت نتواند در حال

عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

[۱۰۱] م - اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا محاذی آن احرام را تجدید کند.

دوم - وادی عقیق است، که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

سوم - قرن المنازل است، و آن میقات کسانی است که از راه طائف حج می‌روند.

چهارم - یلملم است، که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند. پنجم - جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام می‌روند.

[۱۰۲] م - اگر بینهی شرعیه قائم شد، یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بینه ممکن نشود می‌تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می‌باشند.

[۱۰۳] م - هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها

عبورش نیفتند، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

[۱۰۴] م - اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می‌کند احتیاط واجب آن است که از جایی که اول، محاذات پیدا می‌کند احرام ببندد، و در محاذات میقات بعد، تجدید نیت احرام کند.

[۱۰۵] م - کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند و بهتر آن است که در محاذات، تجدید احرام کنند.

[۱۰۶] م - شخص مستطیع اگر احرام را از میقات تأخیر بیندازد از روی علم و عمد و ممکن نشود برگردد به میقات، به واسطه‌ی عذری، و میقات دیگری در پیش نداشته باشد حج او باطل است، و باید سال دیگر حج به جا آورد.

[۱۰۷] م - شخصی که می‌خواهد از محاذی میقات محرم شود، اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد وثوق بپرسد، و قول مجتهد که اهل اطلاع به آن مکانها نیست اعتبار ندارد، و اگر نتواند محاذات را بفهمد قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است به نذر محرم شود، بلکه اگر از محل معینی پیش از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شود احوط است.

[۱۰۸] م - کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند

بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند «جده» و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند اگر جده یا «حده» معلوم شد، محاذی با یکی از میقاتها است از آنجا محرم شوند و الا بروند به میقات دیگر، مثل جحفه و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانستند به جحفه یا به میقات دیگر بروند با نذر از جده محرم شوند، و بهتر آن است که در «حده» تجدید احرام کنند اگر چه لازم نیست.

[۱۰۹] م - مراد از «محاذات» آن است که کسی که می رود به طرف مکه به جائی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست، به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

[۱۱۰] م - محاذات ثابت می شود به علم و به دو شاهد عادل، و اگر اینها ممکن نشود، اگر گمان حاصل شد از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند ظاهراً کافی است، بلکه از قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می کنند، اگر گمان حاصل شد ظاهراً کافی است.

[۱۱۱] م - کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد پس اگر امکان داشت برگشتن به میقات و به اعمال عمره می توانست با برگشتن برسد واجب است بر گردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده

باشد یا نه و اگر ممکن نیست، به نحوی که گفته شد، پس اگر داخل حرم نشده، از همانجا احرام ببندد، و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری می تواند به طرف میقات برگردد و آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده، واجب است اگر می تواند و به اعمال عمره می رسد، از حرم خارج شود و محرم گردد، و اگر نمی تواند به نحوی که گفته شد همانجا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدر می تواند به طرف خارج حرم برگردد و آنجا محرم شود.

[۱۱۲] م - زن حائض اگر مسأله نمی دانست و عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نیست، حکمش همان است که در مسأله دهم گفته شد.

[۱۱۳] م - جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد جائز است، و باید از همانجا محرم شود، مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» محرم شود واجب است عمل کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید کند.

[۱۱۴] م - جایز نیست احرام را از میقات تأخیر بیندازد اختیارا، بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد.

[۱۱۵] م - اگر از میقات بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید در صورت امکان به احتیاط واجب برگردد به میقاتی که از آن گذشته و محرم شود.

مسائل متفرقه میقات

[۱۱۶] م - احتیاط واجب آن است که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب آن است که در محلی اصلی مسجد محرم شود اگر چه از مسجد مطلقاً جایز است حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

[۱۱۷] م - اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره ی تمتع را در وقت خود انجام دهد باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده احرام او باطل است و باید برای عمره ی تمتع مجدداً محرم شود.

[۱۱۸] م - کسانی که با هواپیما به جده می روند نمی توانند از جده یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین این که قصد عمره ی تمتع یا مفرده داشته باشند نیست و حدیبیه میقات عمره ی مفرده

است برای کسانی که در مکه هستند.

[۱۱۹] م - کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله دار که می‌گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند و الاً باید به عرف محل مراجعه نمایند.

[۱۲۰] م - در صورتی که ثابت نیست که رایغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست.

[۱۲۱] م - کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره‌ی مفرده به جا آورده و در مکه مانده تا ماههای حج برای احرام عمره‌ی تمتع باید به یکی از مواقیت پنجگانه‌ی معروفه برود و نمی‌تواند از تنعیم محرم شود.

[۱۲۲] م - کسانی که برای عمره‌ی مفرده به مکه مشرف می‌شوند و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، واجب است به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند. و اگر کسی نتوانست برگردد و از ادنی‌الحل که میقات عمره‌ی مفرده است محرم شود، عمره‌ی او صحیح است.

[۱۲۳] م - اگر شخص در مکه باشد و بخواهد عمره‌ی تمتع به جا آورد و به عللی از رفتن به میقات عمره‌ی تمتع معذور باشد لازم است بخارج حرم برود و از آنجا محرم شود و از ادنی‌الحل کافی است.

[۱۲۴] م - میقات برای شاغلین در جده از ایرانیان و غیر آنها در عمره‌ی تمتع و عمره‌ی مفرده همان مواقیت معروفه است، و نمی‌توانند از جده یا ادنی‌الحل محرم شوند، و اگر از روی جهل به مسأله در جای دیگر محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود چنانچه در صورت علم و عمد هم حکم همین است هر چند در صورت جهل، اگر بعد از اعمال، مسأله را فهمیده‌اند عمل آنان صحیح است.

[۱۲۵] م - خدمه‌ی کاروان‌ها که می‌خواهند به مکه بروند و بعد از آن باید از مکه خارج شوند بنا بر احتیاط نباید عمره‌ی تمتع انجام دهند، بلکه برای دخول مکه باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و از آنجا برای عمره‌ی مفرده محرم شوند. و ادنی‌الحل، میقات این اشخاص نیست، و پس از انجام اعمال عمره‌ی مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه اگر فقط به جده بیایند برای ورود به مکه در مرتبه دوم و سوم و بعد از آن، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آنجا بخواهند به مکه بروند بنا بر احتیاط باید در مسجد شجره محرم شوند برای عمره‌ی مفرده دیگر و در هر صورت این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از مواقیت معروفه، مثل مسجد شجره یا جحفه، بروند و از آنجا برای عمره‌ی تمتع محرم شوند.

فصل دوم

در واجبات احرام

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول - نیت، یعنی انسان قبل از احرام باید نیت کند و در نیت تعیین وجه لازم نیست اما تعیین نوع لازم است یعنی باید معلوم باشد که احرام برای تمتع است یا عمره‌ی مفرده و در صورت عدم نیت یا نیت بر خلاف وظیفه احرام او باطل است، و احتیاطاً قصد کند که محرمات را اجمالاً ترک نماید.

[۱۲۶] م - آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرماتی است که عمره یا حج را باطل می‌کند مثل اکثر محرمات، و اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد پس با قصد ارتکاب آن احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

[۱۲۷] م - عمره و حج و اجزاء آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای طاعت خداوند تعالی به جا آورد.

[۱۲۸] م - اگر عمره را به ریاء یا غیر آن باطل کند احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره‌ی مفرده بجا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

[۱۲۹] م - اگر حج را به نیت خالص به جا نیاورد و به ریاء و غیر آن باطل کند باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

[۱۳۰] م - اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریاء و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می‌شود، گرچه معصیت کار است.

[۱۳۱] م - اگر به واسطه‌ی ندانستن مسأله یا جهت دیگر به جای نیت عمره‌ی تمتع، حج تمتع را قصد کند پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه به جا می‌آورند او هم به جا آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج، اسمش: حج تمتع است ظاهراً عمل او صحیح است و عمره‌ی تمتع است، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

[۱۳۲] م - اگر به واسطه‌ی ندانستن مسأله یا جهت دیگر گمان کند که حج تمتع بر عمره‌ی تمتع مقدم است و نیت حج تمتع کند به

عزم این که پس از احرام برود به عرفات و مشعر و حج به جا آورد و عمره را پس از آن به جا آورد احرام او باطل است، و باید در میقات تجدید احرام کند، و اگر از میقات گذشته است باید در صورت امکان برگردد به میقات و محرم شود، و الاّ از همان جا محرم شود، و اگر وارد حرم شده و ملتفت شد باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم شود، و الاّ در همان جا محرم شود.

دوم - تلبیه یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شده گفت بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ». و اگر

بخواهد احتیاط بیشتر بکند پس از گفتن آنچه ذکر شد، بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا

شَرِيكَ لَكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید.

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ

لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ

الْكَرَامَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبَدِيٌّ وَ
الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ
ابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ»

و این جملات را نیز بگوید خوب است:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ
عُمْرَةٍ مَعًا لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةٍ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ
التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ لَبَّيْكَ.»

[۱۳۳] م - واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لیبیک راکه

گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب
است.

[۱۳۴] م - اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را

یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه آن
شخص بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد دنبال او به طور
صحیح بگوید.

[۱۳۵] م - اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با

تلقین هم نتواند بگوید احتیاط آن است که بهر نحو که می تواند
بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید، و بهتر آن است که علاوه بر آن
نایب هم بگیرد، و اگر کسی جاهل مقصر باشد یعنی می توانسته یاد
بگیرد ولی یاد نگرفته است بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

[۱۳۶] م - اگر لیبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه‌ی

ندانستن حکم نگفت، واجب است برگردد به میقات در صورت امکان واحرام ببندد ولبیک بگوید، و اگر نتواند برگردد همانجا بگوید اگر داخل حرم نشده است، و اگر داخل حرم شده واجب است برگردد بخارج حرم واحرام ببندد ولبیک بگوید، و اگر ممکن نیست همانجا محرم شود ولبیک بگوید، و اگر بعد از گذشتن وقت جبران یادش آمد بعید نیست صحت عمل.

[۱۳۷] م - اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه به واسطه‌ی عذری وچه بدون عذر چیزهائی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود، و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفاره ندارد، و هم چنین اگر لبیک را به ریاء باطل کند.

[۱۳۸] م - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره‌ی تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره‌ی تمتع کرده، و عمره‌ی او صحیح است، و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید فراموش کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته، و حج او صحیح است و احتیاط مستحب در تجدید تلبیه است.

[۱۳۹] م - جائز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر تأخیر انداخت باید به دستوری که در مسأله (۱۱۱) که بعد از بیان مواقیت ذکر شد، عمل کند.

[۱۴۰] م - واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تکرار کند «لَبَّيْكَ» را فقط.

[۱۴۱] م - احتیاط واجب آن است که کسی که برای عمره ی تمتع محرم شد در وقتی که خانه های مکه پیدا می شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید، و مراد از خانه های مکه خانه هایی است که در زمانی که عمره به جا می آورد جزء مکه باشد هر چند مکه بزرگ شود، و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته آن است که لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

سوم - پوشیدن دو جامه ی احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند. و در این جا مسائلی است:

[۱۴۲] م - احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بیوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط آن است که لبیک را دوباره بگوید.

[۱۴۳] م - لازم نیست که لنگ، ناف وزانو را بیوشاند، و کفایت می کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف

و زانو را بپوشاند.

[۱۴۴] م - در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه بهر ترتیبی بیوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، و یکی را رداء قرار دهد به هر کیفیتی که می خواهد، مشروط بر آنکه صدق رداء بکند و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه‌ها را بپوشاند.

[۱۴۵] م - احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفاء نکند به یک جامه‌ی بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه‌ی جدا باشند.

[۱۴۶] م - در پوشیدن جامه‌ی احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه‌ی دوخته هم نیت کند و در همه‌ی موارد قصد قربت کافی است.

[۱۴۷] م - شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه‌ی حریر و غیر ماکول و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

[۱۴۸] م - لازم است جامه‌ی ای را که لنگ قرار می‌دهد ستر عورت نماید، ولی در مورد رداء، صدق رداء کافی است و لو بدن نما باشد.

[۱۴۹] م - احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نپوشد.

[۱۵۰] م - دو جامه‌ای که ذکر شد که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست محرم شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد چنانچه گذشت.

[۱۵۱] م - هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود اگر بیش از مقدار معفو در نماز باشد تطهیر یا تبدیل لازم است

تطهیر یا تبدیل لازم است و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

[۱۵۲] م - اگر تطهیر نکند جامه‌ی احرام یا بدن را کفاره ندارد.

[۱۵۳] م - احتیاط آن است که جامه‌ی احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

[۱۵۴] م - لازم نیست که جامه‌ی احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد و نایلون هم اگر عرفاً جامه نامیده شود اشکال ندارد.

[۱۵۵] م - افضل آن است که محرم اگر جامه‌ی احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می‌شود برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

[۱۵۶] م - اگر محرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن

برای سردی هوا یا غیر آن می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش ببندد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، واحوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید به دوش ببندد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن می‌تواند بپوشد، ولی باید برای آن کفاره بدهد.

[۱۵۷] م - لازم نیست جامه‌ی احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جائز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند بلکه جائز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

[۱۵۸] م - شخص محرم می‌تواند از دو جامه‌ی احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه رداء و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر.

[۱۵۹] م - اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد محرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

[۱۶۰] م - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آنرا که لنگ قرار داده بگردن گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به

احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه‌ی احرام گذاشتن و بانج بستن نیز جائز است.

[۱۶۱] م - شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جائز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نساء مستحب است.

[۱۶۲] م - اگر پیراهن بپوشد بعد از آن که محرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

[۱۶۳] م - اگر نیت کرده و لیبیک را هم بگوید ولی فراموش کند جامه احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات و نتواند جبران کند احتیاط در بطلان عمره او است اگر چه صحت آن به نظر بعید نیست، ولی اگر اعمال حج را هم تمام کرد و یادش آمد عملش صحیح است.

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱ - آن که قبلاً بدن خون را پاکیزه نموده و ناخن و شارب

خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانۀ را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره‌ی مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث أصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آن که دو جامه‌ی احرام از پنبه باشد.

۵- آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه‌ی ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه‌ی دیگر، و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد، سوره‌ی توحید، و در رکعت دوم سوره‌ی حمد را بخواند، و شش رکعت أفضل است، و بعد از نماز

حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد
 آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ
 بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا
 وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعِزَّ
 لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ
 تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ
 الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي
 وَ عُمْرَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ
 سُنَّةِ نَبِيِّكَ ص فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْسِبُنِي فَحُلَّنِي حَيْثُ
 حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَةً فَعُمْرَةٌ
 أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُحْيِي وَ
 عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطِّيبِ ابْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ
 الْآخِرَةَ.»

۶- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَّلَنِي
 وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ
 حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلْجَأِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي
 فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.»

۷- آن که تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در

موارد آینده:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج - وقت رسیدن به سواره.

د - هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن.

ه - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و - آخر شب.

ز - اوقات سحر.

زن حائض و نفساء نیز این تلبیہ‌ها را بگویند.

و شخص متمتع تلبیہ گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا

آن که خانه‌های مکه را ببیند. و اما تلبیہی حج تا ظهر روز عرفه

مستمر است.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱ - احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید

است.

۲ - خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

۳ - احرام بستن در جامه‌ی چرکین و اگر جامه در حال

احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام

است آن را نشوید.

۴- احرام بستن در جامه‌ی راه راه.

۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال

احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با

کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوم

محرمات احرام

اول - شکار صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

[۱۶۴] م - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

[۱۶۵] م - نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همین طور اعانت او به هر نحوی حرام است.

[۱۶۶] م - اگر محرمی صید را ذبح کند از جمیع جهات در حکم میتة خواهد بود بنابر مشهور، و به احتیاط واجب هم در باره‌ی محرم و هم مُجَل.

[۱۶۷] م - شکار دریائی مانع ندارد، و آن حیوانی است که تخم و جوجه هر دو را در دریا کند.

[۱۶۸] م - ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

[۱۶۹] م - پرندگان، جزء شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

[۱۷۰] م - احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

[۱۷۱] م - نگاه داشتن صید حرام است اگر چه خودش مالک آن باشد.

[۱۷۲] م - اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیاورده یا پراو را چیده‌اند واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بچه‌ی صید را، مثل آهو بره تا بزرگ شود و رها کند آن را.

[۱۷۳] م - هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است.

بدان که در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوم - جماع کردن با زن. چه زوجه‌اش باشد و چه غیر آن و بوسیدن، و دست بازی کردن، و نگاه به شهوت، بلکه هر نحو لذت و تمتعی بردن.

[۱۷۴] م - اگر کسی در احرام عمره‌ی تمتع از روی علم و عمد

با زن چه در قُبُل و چه در دُبُر و یا با مرد مرد جماع کند ظاهراً عمره‌اش باطل نشود و لکن موجب کفاره است که بیان آن می‌آید، و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد، و اگر وقت تنگ است حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره‌ی مفرده به جا آورد، و احتیاط بیشتر آن است که سال دیگر حج را اعاده کند. و اگر این عمل را در عمره‌ی مفرده انجام دهد، اصلاً عمره‌اش باطل است ولی ماندن تا ماه بعد لازم نیست.

[۱۷۵] م - اگر در عمره‌ی تمتع این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود کفاره بر او واجب می‌شود، و کفاره بنا بر احتیاط واجب یک شتر است چه ثروتمند باشد یا نباشد.

[۱۷۶] م - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج او فاسد است مسلماً، و اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده حج او فاسد است بنا بر اقوی، و در هر دو صورت کفاره‌ی آن یک شتر است.

[۱۷۷] م - در این دو صورت که حج فاسد شد باید حج را تمام کند و در سال دیگر نیز حج به جا آورد. این در صورتی است که حج تمتع واجب باشد و الاً اگر حج مستحبی است صوری دارد که احکام آن مختلف می‌شود.

[۱۷۸] م - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر واقع شد دو صورت دارد: یکی آن که قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، در این صورت حج او صحیح است، و فقط باید کفاره بدهد.

دوم آن که بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده، پس حج او صحیح است و کفاره هم ندارد بنا بر اقوی.

[۱۷۹] م - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفاره‌ی آن یک شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد کفاره‌ی آن یک گوسفند است. و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

[۱۸۰] م - اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود واجب است که اگر می‌تواند یک شتر کفاره بدهد، و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد، و در صورت عدم انزال اگر چه مرتکب معصیت شده است ولی کفاره ندارد.

[۱۸۱] م - اگر محرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت و انزالش شود مشهور آن است که یک شتر کفاره است، ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد و حرام هم نیست.

[۱۸۲] م - اگر کسی با زن دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره آن است، و اگر انزالش شود احتیاط آن است که یک شتر کفاره بدهد اگر چه کفایت گوسفند،

خالی از قوت نیست.

[۱۸۳] م - هر یک از این امور که موجب کفاره است اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست.

[۱۸۴] م - اگر مردی با زن خود که محرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره‌ی زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود او است، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهند گذشت.

سوم - عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُحِلَّ باشد.

[۱۸۵] م - جایز نیست شخص محرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر محرم باشد.

[۱۸۶] م - احتیاط مستحب آن است که شهادت ندهد بر عقد اگر چه شاهد عقد شده باشد، در حال محرم نبودن، اگر چه جائز بودن آن خالی از قوت نیست.

[۱۸۷] م - بنا بر احتیاط واجب خواستگاری در حال احرام جائز نیست.

[۱۸۸] م - رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

[۱۸۹] م - اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسأله، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

[۱۹۰] م - اگر زنی را با جهل به مسأله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی شود، ولی احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

[۱۹۱] م - ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه ای نیست در احکامی که ذکر شد.

[۱۹۲] م - احتیاط آن است که زن اگر احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و عقد کند او را، با او نزدیکی نکند و طلاق دهد او را، و در صورت علم به مسأله او را طلاق دهد، و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

[۱۹۳] م - اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند پس اگر هر سه عالم بحکم باشند بر هر یک آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرق نیست بین آن که زن و عاقد محل باشند یا محرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می دانند و بعضی نمی دانند بر آن که می داند کفاره است.

چهارم - استمناء؛ یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن هر چند به خیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا

کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود و خروج منی به واسطه‌ی بازی کردن با آلت خود باشد در کفاره و فساد عمره و حج حکم جماع را دارد و اگر به واسطه‌ی تصور و نگاه و امثال آنها باشد کفاره دارد ولی بنا بر اظهر عمره و حج او باطل نمی‌شود و کفاره آن یک شتر است و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن یک گوسفند کافی است و این در صورت علم به حکم و عمد است و اگر استمنا با کاری است که او با خود انجام می‌دهد و پیش از مزدلفه است لازم است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره بجا آورد و اگر استمنا بوسیله‌ی همسرش انجام شده احتیاط واجب آن است که باز هم اینگونه عمل کند. و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم - استعمال عطریات؛ از قبیل مشک وزعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

[۱۹۴] م - مالیدن عطر بر بدن و لباس جائز نیست و همین‌طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

[۱۹۵] م - خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران جائز نیست.

[۱۹۶] م - اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذائی که بوی

خوش می‌دهد اضطراب پیدا کند باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

[۱۹۷] م - از گلها یا سبزیهائی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی انواع که صحرائی است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می‌گویند از خوشبوترین گلها است.

[۱۹۸] م - احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است. [۱۹۹] م - از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست، و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط آن است که بوییدن را ترک کند.

[۲۰۰] م - اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

[۲۰۱] م - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

[۲۰۲] م - کفاره استعمال بوی خوش اگر عمدی باشد یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب، و اگر از روی فراموشی باشد کفاره ندارد.

[۲۰۳] م - مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوش بو می‌کنند حرام نیست، لکن چون معلوم نیست که خلوق چیست احتیاط آن است که اجتناب

کند از بوی خوشی که در کعبه است.

[۲۰۴] م - اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد احتیاط ترک نشود، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد احتیاط واجب است که باز کفاره بدهد.

ششم - پوشیدن چیز دوخته؛ مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

[۲۰۵] م - چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نم‌بشکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن جائز نیست پوشیدن آنها. اما پوشیدن لباسهایی را که صدق «دوخته» بر آنها شکوک است، مانعی ندارد مثل آنچه امروزه دوخت نایلونی نامیده می‌شود.

[۲۰۶] م - احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.

[۲۰۷] م - همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گره باشد.

[۲۰۸] م - فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جائز است

ببندد، لکن احتیاط آن است که کفاره بدهد.

[۲۰۹] م - اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جائز است بپوشد، ولی کفاره باید بدهد.

[۲۱۰] م - جائز است گره زدن لباس احرام را ولی احتیاط در گره زدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را بگردن گره نزنند.

[۲۱۱] م - جائز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.

[۲۱۲] م - از برای زنها جائز است لباس دوخته هر قدر می خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جائز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنهای عرب در آن پنبه می گذاشتند و دست می کردند برای حفظ از سرما.

[۲۱۳] م - کفاره پوشیدن لباس دوخته برای متعمد و یا مضطر یک گوسفند است. به خلاف ناسی و ساهی و جاهل که چیزی بر آنها نیست.

[۲۱۴] م - اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

[۲۱۵] م - اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید کفاره

ساقط نمی شود.

[۲۱۶] م - اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

[۲۱۷] م - احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد.

هفتم - سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنابر اقوی حرام است، و به طور کلی اقوی حرمت مطلق تزئین است.

[۲۱۸] م - حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

[۲۱۹] م - در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط کفاره دادن است.

[۲۲۰] م - در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن مانعی ندارد.

هشتم - نگاه کردن در آینه.

[۲۲۱] م - در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

[۲۲۲] م - نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که

- عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.
- [۲۲۳] م - عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست.
- [۲۲۴] م - در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.
- [۲۲۵] م - اگر در اطافی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.
- [۲۲۶] م - اگر از نگاه در آینه غرض دیگری غیر از زینت داشته باشد مانند نگاه کردن راننده جهت دیدن ماشین های پشت سری اشکال ندارد.
- نهم - پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد.
- [۲۲۷] م - این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.
- [۲۲۸] م - اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را و نیز پشت آن را شکاف دهد.
- [۲۲۹] م - پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دارد.

دهم - فسوق

[۲۳۰] م - فسوق اختصاص به دروغ گفتن ندارد و مراد در این جا کذب حرام است و کذب در موارد استثنا مشمول عنوان فسوق نیست، بلکه فحش دادن و فخر بدیگران کردن نیز فسوق است، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم - جدال است و آن گفتن «لَا وَاللَّهِ» و «بَلَىٰ وَاللَّهِ» است.

[۲۳۱] م - آن که گفتن کلمه «لَا» و کلمه «بَلَىٰ» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا رد غیر، جدال است.

[۲۳۲] م - قسم اگر به لفظ «اللَّهِ» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

[۲۳۳] م - احتیاط واجب الحاق اسماء و صفات مختصه است به لفظ جلاله، پس اگر کسی مثلاً قسم بخورد به خالق و سموات و ارض، جدال محسوب می شود به احتیاط واجب.

[۲۳۴] م - در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن ولی در این حال هم باید کفاره بدهد.

[۲۳۵] م - اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه کفاره باید بدهد، و کفاره‌ی آن یک گوسفند است.

[۲۳۶] م - اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در یک مرتبه یک گوسفند کفاره بدهد، و در دو مرتبه یک گاو و در سه مرتبه یک شتر بلکه خالی از قوت نیست.

[۲۳۷] م - اگر در جدال به دروغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره ذبح کرد بعید نیست که اگر بعد از آن جدال کند به دروغ کفاره آن یک گوسفند باشد نه گاو.

[۲۳۸] م - اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و یک گاو ذبح کرد برای کفاره و بعد یک مرتبه دیگر جدال کرد به دروغ، ظاهراً یک گوسفند کفاره است، و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال کرد ظاهراً یک گاو کفاره آن است.

[۲۳۹] م - اگر به راست جدال کرد بیشتر از سه مرتبه هر چند باشد یک گوسفند کفاره است مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند به راست باید یک گوسفند ذبح کند.

[۲۴۰] م - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال کند کفاره یک شتر است ظاهراً، مگر آن که پس از سه مرتبه یا زیادتر کفاره را ذبح کند که در این صورت در دفعه اول گوسفند و در دفعه دوم گاو

و در دفعه سوم شتر است.

دوازدهم - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند مثل شپش و کیک و کنه که در بدن حیوان است، مگر آنکه موجب اذیت انسان یا موجب ضرر شوند.

[۲۴۱] م - جائز نیست انداختن شپش و کیک را از بدن.

[۲۴۲] م - جائز نیست نقل کردن آن را از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

[۲۴۳] م - احتیاط مستحب آن است که آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظ تر باشد.

[۲۴۴] م - بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن بنا بر احتیاط واجب یک کف از طعام صدقه بدهد.

سیزدهم - انگشتر به دست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

[۲۴۵] م - اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آن که برای خاصیتی به دست کند اشکال ندارد.

[۲۴۶] م - احتیاط واجب آن است که محرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند احتیاط در ترک است بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

[۲۴۷] م - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت

باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

[۲۴۸] م - احتیاط واجب آن است که برای انگشتر به دست کردن گوسفندی کفاره بدهد.

چهاردهم - پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت. و در این جا چند مسأله است:

[۲۴۹] م - اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

[۲۵۰] م - زیورهای راکه عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

[۲۵۱] م - زیورهای راکه عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

[۲۵۲] م - پوشیدن زیور حرام است و احتیاط واجب دادن گوسفند به عنوان کفاره است.

پانزدهم - روغن مالیدن است به بدن.

[۲۵۳] م - احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی خوش در آن نباشد.

[۲۵۴] م - جائز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می ماند تا وقت احرام.

[۲۵۵] م - اگر از روی اضطراب و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

[۲۵۶] م - خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

[۲۵۷] م - اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

[۲۵۸] م - اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره‌ی آن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطراب باشد. اما اگر از روی جهل، روغنی که به بوی خوش دارد بمالد احتیاطاً یک فقیر را اطعام کند. شانزدهم - ازاله‌ی مو است از بدن خود یا غیر خود چه محرم باشد چه مُجَل.

[۲۵۹] م - در حرمت ازاله‌ی مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

[۲۶۰] م - ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و درد سر و موی چشم که اذیت می‌کند اما باید احتیاطاً کفاره‌ی آن را بدهد.

[۲۶۱] م - اگر در وقت غسل یا وضوء مؤئی بدون قصدکننده شود اشکال ندارد.

[۲۶۲] م - در ازاله‌ی مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن، و فرقی نیست بین اینکه

مواز کجای بدن باشد.

[۲۶۳] م - کفاره‌ی سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده «مد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

[۲۶۴] م - اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعین گوسفند در این صورت بعید نیست.

[۲۶۵] م - اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله‌ی مو کند باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، بلکه احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله‌ی مو کند یک گوسفند کفاره بدهد.

[۲۶۶] م - احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن کفاره تراشیدن را بدهد.

[۲۶۷] م - اگر دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم - پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را به پوشاند.

[۲۶۸] م - احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

[۲۶۹] م - احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد

مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

[۲۷۰] م - جائز است به بعض بدن خود، سر را به پوشاند، مثل آن که دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است.

[۲۷۱] م - جائز نیست سر را زیر آب کند بلکه جائز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.

[۲۷۲] م - گفته شده که در حکم سر است بعض سر و البته این مطلب ثابت نیست اگر چه موافق احتیاط است، پس احتیاطاً نباید بعض سر را هم به پوشاند و نه زیر آب یا مایع دیگری کند.

[۲۷۳] م - گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

[۲۷۴] م - پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

[۲۷۵] م - گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثناء شده و مانع ندارد.

[۲۷۶] م - دستمالی را که برای سردرد بسر می‌بندد عیب ندارد.

[۲۷۷] م - گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

[۲۷۸] م - اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد،

و هم چنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

[۲۷۹] م - زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جائز نیست.

[۲۸۰] م - اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر در حکم همه‌ی سر نیست مگر احتیاطاً.

[۲۸۱] م - در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را به پوشاند، و اگر بدون التفات پوشانید باید فوراً آن را باز کند، و همین‌طور اگر از روی فراموشی پوشانید واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

[۲۸۲] م - اگر سر را به پوشاند به نحوی از انحاء، کفاره‌ی آن یک گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است برای پوشاندن بعضی سر.

[۲۸۳] م - احوط آن است که اگر مکرر سر را پوشانید مکرر کفاره بدهد، یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی‌آید واجب نبودن.

[۲۸۴] م - اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را پوشانید احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب است گرچه وجوبش معلوم نیست.

[۲۸۵] م - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را به پوشاند پس اگر از روی ندانستن مسأله یا

غفلت و سهو و نسیان به پوشاندن کفاره ندارد.

هیجدهم - پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و رو بند و برقع.

[۲۸۶] م - پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جائز نیست بنا بر احتیاط، و جائز نیست با باد بزن روی خود را به پوشاندن.

[۲۸۷] م - بعضی رو در حکم تمام آن است و نباید آن را به پوشاندن.

[۲۸۸] م - اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

[۲۸۹] م - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

[۲۹۰] م - واجب است برای نماز سر را به پوشاندن، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را به پوشاندن، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

[۲۹۱] م - جائز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه راکه به سرافکننده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه، چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن و چیزی بر او نیست.

[۲۹۲] م - بهتر آن است که آن چیزی راکه در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگهدارد که به

صورت نچسبد، بلکه اینکار احوط است.

[۲۹۳] م - بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را از صورت کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

[۲۹۴] م - در نقاب انداختن و پوشاندن روبه هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.
نوزدهم - سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود، فقط در روز و الاً شبها اشکال ندارد.

[۲۹۵] م - سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زنها و بچه‌ها جائز است، و کفاره هم ندارد.

[۲۹۶] م - حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

[۲۹۷] م - فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آن که در محلی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سر پوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

[۲۹۸] م - احتیاط آن است که در وقت طی منزل به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او باشد استظلال نکند، اگر چه جائز بودن آن خالی از قوت نیست.

[۲۹۹] م - کسانی که از تهران یا جای دیگر می خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران نذر آنها صحیح است و باید محرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به حج، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید كفاره بدهند.

[۳۰۰] م - کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود باید محرم شود، و حتی الامکان باید از راهی برود که زیر سایه در طی منزل قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد در صورت التفات به این مطلب پیش از نذر معصیت کار است برای آن که خود را از روی عمد مبتلای به معصیت کرده است.

[۳۰۱] م - کسانی که می خواهند با هواپیما به مکه بروند لازم است با هواپیما به مدینه بروند، و از آنجا در مسجد شجره محرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آن که بروند جده بقصد رفتن به جحفه و در صورت امکان بروند به جحفه و از آنجا محرم شوند با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه، و اگر رفتن به میقات امکان نداشت از جده محرم شوند و بهتر آن است که در «حده» هم که بین جده و مکه است تجدید احرام کنند.

[۳۰۲] م - نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب
جائز است و اشکال ندارد.

[۳۰۳] م - در جائز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق
نیست بین سواره و پیاده.

[۳۰۴] م - کسانی که کشتی سوار می شوند در حال احرام زیر
سقف آن نباید بروند، لکن در کنار دیوار کشتی که سایه است
ظاهرا نشستن جایز است.

[۳۰۵] م - استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل
شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جائز است، لکن باید کفاره
بدهد.

[۳۰۶] م - کفاره‌ی سایه قرار دادن در حال طی منزل یک
گوسفند است چه با عذر سایه افکنده باشد چه با اختیار بنا بر
احتیاط واجب.

[۳۰۷] م - اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر
چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، و یک گوسفند است
در احرام حج هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

بیستم - بیرون آوردن خون است از بدن خود:

[۳۰۸] م - بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت
کردن او یا دندان او را کشیدن حرام نیست.

[۳۰۹] م - جایز نیست به مثل خراشیدن بدن خون از آن

بیرون آورد، و همین طور به مسواک نمودن خون از بن دندانها بیرون آورد.

[۳۱۰]م - جائز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همین طور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون در آید.

[۳۱۱]م - خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.

بیست و یکم - ناخن گرفتن.

[۳۱۲]م - جائز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آن که موجب آزار شود، مثل آن که بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

[۳۱۳]م - جائز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جائز نیست ناخن دست را بگیرد.

[۳۱۴]م - فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر، و احتیاط واجب آن است که ازاله‌ی ناخن نکند به هیچ وجه حتی به سوهان و دندان.

[۳۱۵]م - اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد احتیاطاً، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط آن است که ناخن آن را نگیرد اگر چه بعید نیست جواز، اگر معلوم شود آن انگشت یا آن دست زیادی است.

- [۳۱۶] م - اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفاره بدهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد، و هم چنین در ناخنهای پا.
- [۳۱۷] م - اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند کفاره‌ی آن است.
- [۳۱۸] م - اگر ناخن دستها را تمام بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس و در محل دیگر یا چند محل دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفاره‌ی آن است.
- [۳۱۹] م - اگر تمام ناخن دستها را بگیرد از ناخن پاها را کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخنهای پا یک مد طعام باید بدهد و هم چنین اگر ناخن پاها را بگیرد تمام و ناخن دستها را کمتر از ده بگیرد.
- [۳۲۰] م - اگر پنج ناخن از پا بگیرد و پنج ناخن از دست برای هر یک باید یک مد طعام کفاره بدهد، و هم چنین است اگر کمتر از ده در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید کفاره بدهد.
- [۳۲۱] م - اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد پس اگر تمام را بگیرد باید یک گوسفند بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای ناخن زیادی از ده تا کفاره بدهد برای هر یک، یک مد.
- [۳۲۲] م - اگر کسی که بیشتر از ده ناخن دارد ده ناخن اصلی را بگیرد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند بدهد، و اگر

بعضی از ناخن‌های اصلی را و بعضی از ناخن‌های زیادی را بگیرد
برای ناخن‌های اصلی یک مد بدهد و برای زیادی‌ها احتیاط
مستحب آن است که كفاره بدهد.

[۳۲۳] م - اگر تمام ناخن‌های دست را گرفت و كفاره‌ی آن را
داد و بعد در همان مجلس ناخن‌های پا را تماما گرفت باید یک
گوسفند دیگر كفاره بدهد.

[۳۲۴] م - اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و تمام آن را گرفت
برای هر یک، یک مد طعام باید بدهد، و احتیاط مستحب آن است
که یک گوسفند ذبح کند.

[۳۲۵] م - اگر محتاج شد به گرفتن ناخن احتیاط واجب آن
است که كفاره به همان نحو که ذکر شد بدهد.

بیست و دوم - کندن دندان است؛ هر چند خون نیاید بنا بر
احتیاط، و احتیاط آن است که یک گوسفند كفاره بدهد.

بیست و سوم - کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده
باشد. یا قطع کردن و بیرون آوردن آن به هر شکل که باشد چه
بالمباشره و چه بوسیله‌ی دیگری و البته این از محرمات حرم
است و نه احرام.

[۳۲۶] م - اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده شده
باشد بعد از آن که منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد
جائز است آن را بکند.

[۳۲۷] م - اگر درختی در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده لکن خودش آن را نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

[۳۲۸] م - اگر گیاهی که در منزل او روییده بعد از آن که منزل او شده و خودش آن را نکاشته باشد احتیاط واجب آن است که آن را قطع نکند.

[۳۲۹] م - اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است نباید آن را قطع کند.

[۳۳۰] م - درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می تواند آنها را قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

[۳۳۱] م - اگر درختی را که جائز نیست کندنش بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند.

[۳۳۲] م - اگر بعض درخت اراک را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد. و اگر غیر درخت اراک باشد نیز بنا بر احتیاط قیمت آن را کفاره بدهد و درخت اراک درختی است که از چوب آن برای مسواک استفاده می شود.

[۳۳۳] م - قطع گیاهان کفاره ندارد ولی چون مرتکب معصیت شده است باید استغفار کند.

[۳۳۴] م - جائز است که شتر یا هر مرکب دیگر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند.

[۳۳۵] م - آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

[۳۳۶] م - اگر بنحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

بیست و چهارم - سلاح در برداشتن بنا بر احوط مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت، و مکروه است سلاح را همراه بردارد در صورتی که به تن او نباشد اگر ظاهر باشد و احوط ترک آن است.

مسائل متفرقه محرمات احرام

[۳۳۷] م - اگر حاجی در حال احرام برای سردرد دستمالی بدور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.

[۳۳۸] م - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنا بر این اگر ماشین از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده برود و بناچار محرمین از زیر پل‌ها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شود و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

[۳۳۹] م - شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید

در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود، و هم چنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

[۳۴۰] م - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

[۳۴۱] م - در شب استظلال نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر به طوری تیره باشد که استظلال صدق نکند.

[۳۴۲] م - جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر محرم شود ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد.

[۳۴۳] م - تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

[۳۴۴] م - در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و سایه ثابت مثل پل و غیره نیست و فرقی بین اجبار و اختیار نیست ولی بر عبور از زیر پل‌هایی که در جاده‌ها هست صادق نیست.

[۳۴۵] م - کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده از احرام خارج شده و گرنه در احرام باقی است.

[۳۴۶] م - بعد از آن که محرم به منزل رسید ولو در محله‌های

جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.

مستحبات دخول حرم

- ۱ - همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید.
- ۲ - از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳ - وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ: «وَ أَذْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ مِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنَّاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۴ - وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آنرا

بجود.

مستحبات دخول مکه معظمه

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل به‌نماید. و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

آداب دخول مسجد الحرام

مستحب است مکلف برای دخول مسجد الحرام غسل به‌نماید و هم‌چنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از درب «بني شيبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بني شيبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجد الحرام ایستاده بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ
مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ وَ السَّلَامُ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلًّا تَنَاءً وَ جِهَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوَارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ

رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ
يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ
شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.»

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ
شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.»

پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند

نموده و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ
تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتَكَ الْحَرَامَ الَّذِي
جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي
عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ
طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ
الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي
بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.»

بعد خطاب می کند بسوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً

لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ.»

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الأسود شد بگوید:
 «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا
 عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ
 وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»
 و هنگامی که نظرش به حجر الأسود افتاد متوجه بسوی او
 شود و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا
 اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَكْبَرُ مِنْ
 خَلْقِهِ وَ أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخَشَى وَ أَخْذَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ
 الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ
 بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ
 سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجر
 الأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به
 جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که
 حج تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر

بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن
کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَاتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي
بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ
وَ كَفَرْتُ بِالْحَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ
وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي
فَاقْبَلْ سَيِّئَاتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ
وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

فصل چهارم

طواف واجب و بعضی از احکام آن

کسی که محرم شد به احرام عمره‌ی تمتع و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره‌ی تمتع.

[۳۴۷] م - طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که فوت شود وقت آن، عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

[۳۴۸] م - چنین کسی که عمره‌ی خود را باطل کرد احوط آن است که حج افراد به جا آورد، و پس از آن عمره‌ی مفرده به جا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند.

[۳۴۹] م - وقت فوت طواف وقتی است که اگر بخواهد آن را با بقیه‌ی اعمال عمره به جا آورد نتواند وقوف به عرفات کند.

[۳۵۰] م - اگر از روی سهو ترک کرد طواف را لازم است آن را بجا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نائب بگیرد.

[۳۵۱] م - اگر سعی را به جا آورده پیش از آن که طواف را به جا آورد احتیاط واجب آن است که سعی را هم به جا آورد، و اگر نماز طواف را به جا آورده باید آن را هم بعد از طواف اعاده کند.

[۳۵۲] م - اگر شخص محرم به واسطه‌ی مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

[۳۵۳] م - شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

واجبات طواف

واجبات طواف دو قسم است:

قسم اول - چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر

است:

اول - نیت است؛ یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا به جا آورد.

[۳۵۴] م - نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همان که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همان طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همان طور به جا آورد با نیت به جا آورده.

[۳۵۵] م - باید عبادت را برای اطاعت خدا به جا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند به جا آورد.

[۳۵۶] م - اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن به جا آورد طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

[۳۵۷] م - ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود.

[۳۵۸] م - کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل آن که برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای

رسیدن به بهشت و ثواب.

[۳۵۹] م - اگر در عملی که برای خدا می آورد رضای دیگری

را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

دوم - آن است که طاهر باشد از حدث اکبر؛ مثل جنابت

و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضوء باشد.

[۳۶۰] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب

شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء،

حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است

آن را تمام کند.

[۳۶۱] م - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی

شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در

مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب

کرد صحیح است.

[۳۶۲] م - طواف - یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن

- مستحب است، و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب

است. و در این طواف طهارت شرط نیست.

[۳۶۳] م - اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف

کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا

ندانستن مسأله باشد.

[۳۶۴] م - اگر در اثنای طواف حدث عارض شود پس اگر

پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند.

[۳۶۵] م- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است.

[۳۶۶] م- اگر در اثناء طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود، پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند.

[۳۶۷] م- اگر عذر داشته باشد از وضو و غسل، واجب است تیمم کند بدل از وضوء یا بدل از غسل.

[۳۶۸] م- اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

[۳۶۹] م- احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از وضوء یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

[۳۷۰] م- اگر با وضوء بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضوء داشتن بگذارد و لازم نیست وضوء بگیرد،

و هم چنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

[۳۷۱] م - اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضوء گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضوء بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

[۳۷۲] م - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضوء آن را به جا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورد یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

[۳۷۳] م - اگر در اثناء طواف شک کند که وضوء داشته یا نه پس اگر بعد از تمامی دور چهارم است طواف را رها کند و وضوء بگیرد و از همانجا تتمه طواف را به جا آورد، و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است احتیاط واجب آن است که طواف را تمام کند و اعاده کند.

[۳۷۴] م - در تمام صورت‌هایی که در شک گفته شد که بنابر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است بهتر آن است که تجدید وضوء کند و رجاءاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضوء یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

[۳۷۵] م - اگر در اثناء طواف شک کند که غسل کرده است از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه باید فوراً از مسجد الحرام بیرون

برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بوده و شک کرده، بعد از غسل بر گردد و تتمه را به جا آورد، و الاً بعد از غسل اعاده کند طواف را، و احتیاط آن است که در صورت اول نیز اعاده کند.

[۳۷۶] م - اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون به جا آوردن غسلهایی که بر او لازم است می تواند وارد مسجد الحرام شود و طواف کند، بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجد الحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم - طهارت بدن و لباس است از نجاست.

[۳۷۷] م - احتیاط واجب آن است که از نجاستی که در نماز عفو شده - مثل خون کمتر از درهم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند اجتناب کند و در مواردی مثل انگشتر که ثوب بر آنها صدق نمی کند اجتناب واجب نیست همچنین همراه داشتن چیز متنجس در حال طواف مانعی ندارد.

[۳۷۸] م - در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

[۳۷۹] م - در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

[۳۸۰] م - احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف راتا بشود بی‌مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

[۳۸۱] م - اگر طواف کند و بعد از آن که از طواف فارغ شد علم پیدا کند به نجاست در حال طواف اظهر آن است که طوافش صحیح است.

[۳۸۲] م - اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می‌تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که قبلاً نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

[۳۸۳] م - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا تمام کند، و طواف او صحیح است.

[۳۸۴] م - اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً

حکم مسأله قبل را دارد.

[۳۸۵] م - اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیه‌ی طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد، و در این صورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند و نماز طواف را نیز اعاده کند، و در این احتیاط فرقی نیست بین آن که بعد از چهار دور علم پیدا کند یا قبل از آن، گرچه در صورت دوم احتیاط شدیدتر است.

[۳۸۶] م - هرگاه است نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نموده و با آنها طواف نماید و بعد از طواف یادش آید طوافش بنا بر اظهر صحیح است، ولی اگر بعد از نماز طواف یادش بیاید، فقط نماز طواف را اعاده کند و اعاده‌ی طواف لازم نیست.

چهارم - ختنه کردن است در حق مردان که البته شرط طواف است نه احرام و به هر حال این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که در باره بچه‌های نابالغ مراعات شود.

[۳۸۷] م - اگر بچه را که ختنه نشده و ادار به احرام کنند یا او را محرم کنند احرام او صحیح است ولی طواف او صحیح نیست، پس اگر محرم به احرام حج شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود مگر آن که او را ختنه

کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن که نایب برای او بگیرند تا طواف کند.

[۳۸۸] م - اگر بچه ختنه کرده بدنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم - ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس با ساتر غضبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غضبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نمازگزار را بنمایند.

[۳۸۹] م - احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم از [واجبات طواف] چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، اگر چه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است: اول - آن که ابتداء کند به حجر الاسود.

[۳۹۰] م - در ابتداء کردن به حجر الاسود لازم نیست که تمام اجزاء بدن طواف کننده به تمام اجزاء حجر الاسود عبور کند، بلکه واجب آن است که انسان از حجر الاسود، هر جای آن باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

[۳۹۱] م - آنچه واجب است آن است که در عرف گفته شود از حجر الاسود شروع به طواف کرد و ختم کرد به حجر الاسود، چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسطش چه از آخرش ولی احتیاط آن است که از باب مقدمه علمیه در شروع طواف کمی قبل از حجر الاسود نیت کند و در پایان هم کمی از آن بگذرد.

[۳۹۲] م - از هر جای حجر الاسود که شروع کرد باید در دوره هفتم به همان جا ختم کند، پس اگر از اولش شروع کرد باید به اولش ختم شود. و هم چنین اگر از وسط یا آخر شروع کرد باید به همان جا ختم شود.

[۳۹۳] م - در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجر الاسود» بدون دقتهای صاحبان وسوسه، شروع کنند، و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

[۳۹۴] م - گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوم - ختم نمودن هر دوری است به حجر الاسود و این حاصل می‌شود به این که عرفاً بدون توقف، هفت دور را ختم کند و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده ختم شود، و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم - آن که در طواف کردن، خانه‌ی کعبه در طرف چپ طواف‌کننده واقع شود و البته موالات عرفیه فقط در طواف واجب شرط است، بنا براین ترک موالات ضرری به طواف مستحبی نمی‌زند، هم‌چنین در طواف واجب هم می‌توان مثلاً در صورت ضرورت حتی خارج از مطاف استراحت کرد و این ضرری به موالات عرفی نمی‌زند.

[۳۹۵] م - لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً به شانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عليه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمائل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

[۳۹۶] م - اگر در موقع رسیدن بگوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر به‌طور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمائل به پشت شود.

[۳۹۷] م - گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را این طور به جا آورد زنها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

[۳۹۸] م - احتیاط به این که خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتناء نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه به طوری که خلاف متعارف و موجب انگشت نمائی نشود مانع ندارد.

[۳۹۹] م - اگر به واسطه‌ی مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آن که روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

[۴۰۰] م - اگر به واسطه‌ی کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.

[۴۰۱] م - در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دو چرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که به طور میانه روی برود.

چهارم - داخل کردن حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه‌ی کعبه است، و باید

طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

[۴۰۲] م - اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

[۴۰۳] م - اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

[۴۰۴] م - اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

[۴۰۵] م - اگر در بعضی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده کند طواف را اگر چه ظاهر آن است که اعاده‌ی طواف لازم نیست؛ همان گونه که اکتفا به از سر گرفتن دور از همان جایی که داخل حجر شده خالی از وجه نیست.

[۴۰۶] م - اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است.

پنجم - بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از همه اطراف. در صورت امکان و بنا بر احتیاط اما اگر عرفاً ضرورت داشته باشد یا مثلاً طواف در این مقدار به دلیل ازدحام جمعیت دارای زحمت یا موجب اذیت دیگران باشد،

طواف از پشت مقام اشکال ندارد و البته رعایت اتصال به طواف کنندگان و نزدیکی به بیت بهتر است و اگر مکان فعلی مقام را تغییر دهند و مثلاً به انتهای مسجد الحرام ببرند مانعی ندارد و طواف میان آن مکان و کعبه در هر حال مجزی است.

[۴۰۷] م - مراد از این که طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه‌ی اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد

[۴۰۸] م - اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام ابراهیم هم داخل در طوافش شود طوافش باطل است و باید اعاده کند.

[۴۰۹] م - اگر بعضی از دورها را از پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده‌ی همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده‌ی همان جزء.

[۴۱۰] م - در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ می‌شود زیرا که مقدار حجر از آن کاسته می‌شود.

[۴۱۱] م - اگر از جانب حجر اسماعیل بیشتر از مقدار باقی مانده در دور زدن دور شد اظهر آن است که آن جزء را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

ششم - خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

[۴۱۲] م - در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه‌ی کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل قرار دهد.

[۴۱۳] م - اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه‌ی کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید اعاده کند.

[۴۱۴] م - دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جائز است، و بطواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب ترک آن است.

[۴۱۵] م - در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام جائز است، و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب در ترک است.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادتر.

[۴۱۶] م - اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور به جا آورد و یا بیشتر به جا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند، و کسی که از روی جهل یا سهو یا غفلت چنین قصدی کرده است اگر قبل از اتمام هفت دور ملتفت

شود و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

[۴۱۷] م - اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور آوردن بر گردد به قصد زیادتر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده و هر چه به این عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر آورد اصل طواف باطل می‌شود. و احتیاط آن است که طوافش را کامل کند و بعد اعاده نماید.

[۴۱۸] م - اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

[۴۱۹] م - اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است.

[۴۲۰] م - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور به جا آورد طوافش صحیح است.

[۴۲۱] م - اگر کم کند از طواف واجب چه یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور از روی عمد واجب است آن را اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده - که

در مسائل فصل چهارم گذشت - به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

[۴۲۲] م - اگر بعد از کم کردن از طواف کاری کند که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

[۴۲۳] م - اگر سهواً از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، و الاً احتیاط واجب اتمام و اعاده است.

[۴۲۴] م - اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن سزاوار نیست ترک احتیاط در همه ی موارد سهو. بتمام کردن طواف ناقص و اعاده کردن.

[۴۲۵] م - اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نائب بگیرد.

[۴۲۶] م - در طواف واجب، قران جائز نیست یعنی جائز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آن که بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

[۴۲۷] م - اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد،

داخل در قران میان دو طواف است که حرام است. و چون فرض مسئله صورت عمد است اگر از ابتدای طواف اول یا در اثنای آن قصد زیاده کند، به دلیل عدم تمشی قصد قربت، طواف اول باطل است.

[۴۲۸] م - در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثناء طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد به جا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقوی صحت طواف اول است، و احتیاط مستحب اعاده است.

[۴۲۹] م - اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آن که تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

[۴۳۰] م - جائز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی کراهت قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و احوط قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه به هم بخورد.

[۴۳۱] م - اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط آن است که

اگر چهار دور به جا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی به جا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد.

[۴۳۲] م - اگر طواف را قطع کند و منافی به جا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طوافش صحیح است.

[۴۳۳] م - اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

[۴۳۴] م - اگر شخصی که به خاطر مرض طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد تا آن که وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند. و در هر صورت چنانچه ترک طواف به واسطه‌ی عذر قبل از اتمام دور چهارم بوده طواف را از ابتدا اعاده کند و اگر بعد از آن بوده مقدار باقی مانده را تدارک نماید.

[۴۳۵] م - اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همان جا طواف را تمام کند، و الاً اعاده کند.

[۴۳۶] م - جائز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را

برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همان جا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله قبل عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

[۴۳۷] م - اگر بعد از تمام شدن طواف وانصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده یا نه یا شک کند کمتر به جا آورده یا نه اعتناء نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم خالی از اشکال نیست و احتیاط ترک نشود.

[۴۳۸] م - اگر بعد از طواف شک کند که صحیح به جا آورده آن را یا نه مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ طواف کرده اعتناء نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آن جا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

[۴۳۹] م - اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، اعتناء به شک نکند و طوافش صحیح است.

[۴۴۰] م - اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.

[۴۴۱] م - اگر در آخر دور یا اثناء آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

[۴۴۲] م - اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد، و طوافش صحیح است.

[۴۴۳] م - شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتناء به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

[۴۴۴] م - گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

[۴۴۵] م - اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف به جا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

[۴۴۶] م - اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه‌ی سعی را به جا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط آن است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و هم چنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

[۴۴۷] م - اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف رابی و ضوئه به جا آورد طوافش باطل است، و همین طور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس به جا آورد.

[۴۴۸] م - اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

[۴۴۹] م - در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

[۴۵۰] م - واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه‌ی صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همان جا اتمام کند.

[۴۵۱] م - جائز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا درازا بکشد و بعد از همان جا اتمام کند، ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد، و اگر آن قدر نشست که موالات عرفیه به هم خورد چنانچه قبل از اتمام نصف بوده است، آن را از ابتدا اعاده نماید و اگر بعد از آن بوده احتیاطاً طواف را اتمام و سپس اعاده کند.

مسائل متفرقه طواف

[۴۵۲] م - در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در

خارج آن طواف کرد.

[۴۵۳] م - در صورت امکان و بنا بر احتیاط ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد، کفایت نمی‌کند و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

[۴۵۴] م - هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل این که او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد و اگر از حجر الاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. یعنی باید فقط همان چند قدم را از سر بگیرد نه آنکه آن دور را از ابتدا اعاده کند.

[۴۵۵] م - اگر در طواف بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است.

[۴۵۶] م - اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از

طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جائی که باید از آن جا طواف را اعاده کند برسد و از آن جا تدارک نماید.

[۴۵۷] م- اگر حاجی در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

[۴۵۸] م- اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است و باید آن چند شوط را اعاده کند و البته اعاده نماز طواف هم خالی از وجه نیست. طواف را اعاده کند.

[۴۵۹] م- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرائط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت او حج او صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و اگر در عمره بوده در صورت ضیق وقت احتیاطاً بعد از حج، یک عمره‌ی مفرده نیز به جا آورد.

آداب و مستحبات طواف

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ
كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ
عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ
الْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ
عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.»

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب

است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعِزِّ
جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلِ اسْمِي.»

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به

در خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَفَقِيرٌكَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ اللَّهُمَّ
الْبَيْتُ بَيْنَتِكَ وَ الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ
الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتُقْنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ
إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيم.»

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند

کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ وَ
أَجْرَنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ عَافِنِي مِنَ السُّتْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ
الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ
الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ الْجُودِ وَ الْكِرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ
فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ
الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى
جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ
وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلَيَّ إِمَامًا
اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ»

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ

النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (۱) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاء الله تعالی مستجاب خواهد شد بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ ثُمَّ تَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي.»

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجر الاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

فصل پنجم

نماز طواف

[۴۶۰] م - واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

[۴۶۱] م - می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند مگر سوره های سجده، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد»، «سوره «قل هو الله احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

[۴۶۲] م - جائز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

[۴۶۳] م - شک در رکعات نماز طواف بعد از تروّی به اندازه ای که صورت نماز را از بین نبرد. موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظن در رکعات، و در ظن در

افعال احتیاط کند. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

[۴۶۴] م - اقوی آن است که بعد از طواف مبادرت عرفی به نماز کند.

[۴۶۵] م - واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود حتی اگر احتمالاً مکان مقام ابراهیم را در مسجد الحرام تغییر دهند و احتیاط واجب آن است که پشت مقام به جا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک تر بایستد، لکن نه به طوری که مزاحمت با سایرین کند.

[۴۶۶] م - اگر به واسطه‌ی زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد به طوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند به واسطه‌ی دوری زیاد، در یکی از دو جانب به جا آورد در جائی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

[۴۶۷] م - اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام را به جا آورد باید ملاحظه نزدیک تر را بکند از میان دو جانب و پشت مقام، و اگر سه طرف مساوی باشند، در پشت نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر دو طرف نزدیک تر از پشت باشند به مقام و لکن هیچ کدام نزد مقام نباشد بعید نیست جائز بودن اکتفاء به پشت لکن احتیاط آن است که یک نماز در پشت مقام بخواند و یک نماز در

یک طرف یا ملاحظه نزدیک تری، و احوط اعاده‌ی نماز است در صورت امکان در پشت مقام تا وقتی که وقت تنگ نشده برای سعی.

[۴۶۸] م - جائز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد به جا آورد اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آن را می‌تواند عمداً ترک کند. ولی ترک عمدی نماز طواف محل تأمل است.

[۴۶۹] م - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم به جا آورد و به همان دستوری که در نماز طواف واجب ذکر شده عمل نماید.

[۴۷۰] م - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بین صفا و مروه یادش بیاید از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همان جا تمام کند.

[۴۷۱] م - شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده‌ی آنها ظاهراً لازم نباشد اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

[۴۷۲] م - اگر برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را به جا آورد اگر چه در شهر دیگر باشد اما اگر برگشتن برای او مشکل نیست، برگردد و نماز را در محل آن به جا آورد.

[۴۷۳] م - اگر کسی این نماز را به جا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل داده شده است.

[۴۷۴] م - جاهل به مسأله در احکام که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

[۴۷۵] م - واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را به طور صحیح به جا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته اند اگر نماز او درست نباشد عمره ی او باطل است، و هم چنین حج نیز باطل است، پس علاوه بر آن که به این قول از حجة الاسلام برائت ذمه پیدا نمی کند ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود.

[۴۷۶] م - اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل و اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نائب گرفتن نیز کافی نیست.

[۴۷۷] م - نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند مگر

آن که مزاحمت کند یا وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

[۴۷۸] م - اگر کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور ۴۷۶ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

مسائل متفرقه نماز طواف

[۴۷۹] م - نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجد الحرام جایز است بخصوص در موقع ازدحام مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

مستحبات نماز طواف

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَيَّ مَا يُحِبُّ

رَبِّي وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي.»

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ وَ طَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ ص اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از

نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعَبُداً وَ رِقاً لَأِ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً
الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ
نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ فَاعْفُرْ لِي إِنَّهُ لَا يَعْفُرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ غَيْرَكَ فَاعْفُرْ
لِي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
غَيْرَكَ.»

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود

که گویا در آب فرو رفته باشد.

فصل ششم

در سعی و بعض احکام آن

[۴۸۰] م - واجب است بعد از به جا آوردن نماز طواف سعی کند بین صفا و مروه که دو کوه معروفند.

[۴۸۱] م - مراد از سعی آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه برگردد به صفا.

[۴۸۲] م - واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

[۴۸۳] م - واجب است اول از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

[۴۸۴] م - احتیاط آن است که ابتداء کند از جزء اول صفا و از

آنجا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همان طور بنحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.

[۴۸۵] م - در سعی مابین صفا و مروه جائز است سواره و بر روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

[۴۸۶] م - طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

[۴۸۷] م - واجب است سعی را بعد از و طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد باید بعد از طواف و نماز آن را اعاده کند.

[۴۸۸] م - اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف اقوی آن است که آن را اعاده کند و هم چنین است اگر از روی ندانستن مسأله مقدم بدارد.

[۴۸۹] م - واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف به صفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

[۴۹۰] م - اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جائز است سعی کند اگر چه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

[۴۹۱] م - اگر طبقه زیر زمینی درست شد و کوه صفا و مروه

ریشه دار بود سعی بین آندو واقع شد صحیح است علی الظاهر،
و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

[۴۹۲] م - واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به
آنجا، و وقت رفتن رو به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب
عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است،
لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال
ندارد.

[۴۹۳] م - جائز است به جهت استراحت و رفع خستگی،
نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه، و همین طور جائز است
نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست
عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

[۴۹۴] م - جائز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای
رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جائز است بدون عذر تأخیر
بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.

[۴۹۵] م - جائز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از
قبیل مرض.

[۴۹۶] م - سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص
برای فرمان خدای تعالی بیاورد.

[۴۹۷] م - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از
روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.

[۴۹۸] م - زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.

[۴۹۹] م - اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر سعی او صحیح است، و بهتر آن است که زائد را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

[۵۰۰] م - اگر سعی را کم کند سهواً واجب است آن را اتمام کند هر وقت یادش بیاید، و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی تواند یا مشقت دارد باید نائِب بگیرد.

[۵۰۱] م - اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بی‌آورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند جائز است از همان جا سعی را تمام کند، لکن احتیاط آن است که اگر چهار مرتبه را تمام نکرده تمام کند و از سر بگیرد.

[۵۰۲] م - با تمام کردن سعی حلال نمی شود بر او آنچه حرام شده بود به واسطه احرام.

[۵۰۳] م - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره‌ی تمتع پس به گمان این که أعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و اقوی آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.

[۵۰۴] م - اگر فراموش کرد بعض سعی را در عمره‌ی تمتع و تقصیر کرد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد احتیاط واجب آن است که به دستور مسأله سابق عمل کند، بلکه احتیاط واجب آن است که در این دو حکم سعی در غیر عمره‌ی تمتع را نیز ملحق به تمتع کند در کفاره و اتمام.

[۵۰۵] م - اگر شک کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتناء نکند، و اگر شک کند بعد از آن که از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بنا گذاری بر اتمام و اعتناء نکردن به شک خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می دهد اتمام کند، خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترک کرده است سعی را که برگردد و اتمام کند که در این صورت وجوب اتمام بعید نیست، و اگر شک در زیاده دارد و می داند ناقص نشده اعتناء نکند.

[۵۰۶] م - اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شک در درست آوردن آن کند اعتناء نکند و سعی صحیح است، و همین طور اگر در بین رفت و آمد شک در صحیح به جا آوردن جزء پیش کند اعتناء نکند.

[۵۰۷] م - اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیادتر مثل این که شک کند بین هفت و نه اعتناء نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفت است یا کمتر

ظاهراً سعی او باطل است، و هم چنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

[۵۰۸] م - اگر طواف را در روزی به جا آورد و روز بعد شک

کرد که سعی کرده است یا نه بعید نیست بنا گذاری بر آوردن، اگر عالم به مسأله بوده و می دانسته که نباید بدون عذر تا روز بعد تأخیر بیندازد به شک خود اعتنا نکند و الاً احتیاط واجب در آوردن آن است، مگر آن که بعد از تقصیر شک کند که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقه سعی

[۵۰۹] م - کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه

سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را اعاده کند اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

[۵۱۰] م - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را به جا می آورد

و سعی را شب انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

[۵۱۱] م - سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا

و مروه است، جایز نیست.

مستحبات سعی

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.»

پس از آن به نزد حجر الاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجر الاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الاسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد آن گاه این اذکار را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، هفت مرتبه. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» سه مرتبه. پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.» سه مرتبه. پس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ

إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه. پس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعُفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

سه مرتبه. پس بگوید: «لِلَّهِمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»

سه مرتبه. پس بگوید: «الله أكبر» صد مرتبه. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» صد مرتبه. «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه. «سُبْحَانَ اللهِ» صد مرتبه. پس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ عَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ» و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم. پس بگوید: «أَسْتَوْدِعُ اللهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفِيئِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.»

پس بگوید: «الله أكبر» سه مرتبه. پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند. و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنَّ عُدَّتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

فَأَنَّكَ إِن تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَإِن تَعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ
عَنْ عَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِهِ
ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِن تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ
تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَدْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ فَيَا
مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي.»

پس بگوید: «يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال
او زیاد شود ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا
پایین می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و
بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ
وَحْشَتِهِ وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ
يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

پس از پله چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود
بردارد و بگوید: «يَا رَبِّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى
بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُتَيَّبُ عَلَى الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا
قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ
مَرْضَاتِكَ.»

و مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به مناره میانه
راه رود و از آنجا تا جائیکه محل بازار عطاران است مانند شتر تند

رود و اگر سوار باشد این حد را فی الجمله تند نماید و از آنجا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید و از برای زنها هروله نیست و مستحب است در هنگامی که می‌رسد به مناره میانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهِ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ وَ اهْدِنِي لِطَبَّتِي هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي فَتَقَبَّلْ عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّيِّبِينَ.»

و همین که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النَّعْمَاءِ وَ الْجُودِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

و هنگامی که به مروه رسید برود بالای آن و بجا آورد آنچه را که در صفا به جا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید: «اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَيَّ الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ.» و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را بگریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.»

فصل هفتم

تقصیر و بعض احکام آن

[۵۱۲] م - واجب است بعد از آن که سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا بزدن ناخن نکند، و از موی قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه حرام است.

[۵۱۳] م - این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آن که جبران کند.

[۵۱۴] م - اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره‌اش صحیح است و مستحب است فدیه یک گوسفند، و احتیاط آن است که فدیه بدهد.

[۵۱۵] م - اگر عمداً تقصیر را ترک کند تا احرام بستن به حج، عمره او باطل می‌شود بنابر اقوی و ظاهراً حج او حج افراد شود، و احتیاط واجب آن است که پس از تمام کردن حج افراد عمره‌ی مفرده بجا آورد و در سال بعد حج را اعاده کند.

[۵۱۶] م - در عمره‌ی تمتع طواف نساء واجب نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند طواف و نماز آن را رجااً به جا آورد.

[۵۱۷] م - بعد از آن که شخص محرم تقصیر کرد حلال می‌شود بر او به غیر از تراشیدن سر هر چه حرام شده بود بر او به واسطه‌ی احرام حتی نزدیکی با زن.

مسائل متفرقه تقصیر و احکام بین عمره و حج تمتع

[۵۱۸] م - در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفاء به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و احوط در تقصیر، گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

[۵۱۹] م - بعد از انجام عمره‌ی تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره‌ی مفرده به جا آورده شود و اگر به جا آوردند صحت عمره‌ی مفرده محل اشکال است ولی برای عمره و حج تمتع اشکالی ایجاد نمی‌شود.

[۵۲۰] م - خدمه کاروان‌های حج اگر عمره‌ی مفرده به جا

آورده باشند هر دفعه که از مکه خارج می شوند و به جده می روند و برمی گردند لازم نیست محرم شوند ولی اگر عمره ی تمتع به جا آورده اند بنابر احتیاط نباید از مکه خارج شوند مگر در صورت حاجت در حالی که محرمند به احرام حج.

تبدل حج تمتع به افراد

[۵۲۱] م - اگر شخصی که احرام عمره بسته است به واسطه ی عذری دیر وقت وارد مکه شد به طوری که اگر می خواست عمره بجا بیاورد وقت وقوف به عرفات می گذشت یا خوف داشت که بگذرد، باید عدول کند به حج افراد، و پس از به جا آوردن آن عمره ی مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

[۵۲۲] م - اگر زنی احرام بست و وقتی به مکه وارد شد به واسطه ی حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر می خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد به دستوری که در مسأله قبل گفته شد باید عمل کند.

[۵۲۳] م - اگر بدون احرام وارد مکه شد و نبستن احرام به واسطه ی عذری بوده و وقت هم تنگ باشد باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

[۵۲۴] م - اگر از روی عمد و بی جهت احرام نبسته و عمره خود را باطل کرده و وقت تنگ شده از عمره‌ی تمتع، احتیاط واجب آن است که حج افراد به جا آورد و پس از آن عمره مفرده، و در سال دیگر حج را اعاده کند.

[۵۲۵] م - مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی الحجه است تا غروب.

[۵۲۶] م - کسی که حج مستحب به جا می‌آورد و پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است عدول به افراد کند و حج افراد به جا آورد، و عمره‌ی مفرده بر او واجب نیست.

[۵۲۷] م - کسی که محرم شد به احرام تمتع از حج واجب و عمداً تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد باید به دستوری که در مسأله ۵۲۴ ذکر شد عمل نماید.

[۵۲۸] م - کسی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره‌ی تمتع به جا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد می‌تواند از اول محرم شود به حج افراد و آن را به جا آورد. و پس از آن عمره‌ی مفرده به جا آورد و عملش صحیح است.

باب دوم

اعمال حج تمتع

و در آن هفت فصل است:

فصل اول

إحرام حج

[۵۲۹] م - واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره، احرام ببندد برای حج تمتع.

[۵۳۰] م - اگر نیت کند حج تمتع را ولبیک‌های واجب را به طوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید محرم می‌شود، و قبل از احرام باید نیت کند و در نیت تعیین وجه لازم نیست اما تعیین نوع لازم است و در صورت عدم نیت یا نیت بر خلاف وظیفه احرام او باطل است، و هم‌چنین احتیاطاً قصد کند که محرمات را اجمالاً ترک نماید.

[۵۳۱] م - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد، و ریاء موجب بطلان عمل است.

[۵۳۲] م - کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است

که در احرام عمره ذکر شد.

[۵۳۳] م - تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است، و آنچه کفاره داشت کفاره دارد به همان ترتیب.

[۵۳۴] م - وقت احرام موسع است، و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد می تواند تأخیر بیندازد و از آن وقت نمی تواند عقب بیندازد.

[۵۳۵] م - احتیاط واجب آن است که کسی که از عمره ی تمتع فارغ شد و محل گردید از مکه خارج نشود بدون حاجت، و اگر حاجتی برای بیرون رفتن پیش آمد در صورتی که بداند پس از بازگشت. وقت کافی و توانایی برای احرام دارد، نیازی نیست محرم شود ولی اگر اطمینان ندارد. احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام حج و بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج برگردد.

[۵۳۶] م - اگر بدون حاجت و بدون احرام بیرون رفت از مکه لکن برگشت و احرام بست و حج به جا آورد عملش صحیح است.
[۵۳۷] م - مستحب است احرام بستن در روز ترویبه بلکه احوط است.

[۵۳۸] م - محل احرام حج، شهر مکه است هر موضع که باشد گر چه در محله های تازه ساز، و احتیاط مستحب آن است که در

مکه قدیم محرم شود و نیز مستحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود.

[۵۳۹] م - اگر فراموش کند احرام بستن را و بیرون رود به منی و عرفات، واجب است برگردد به مکه و احرام ببندد، و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست محرم شود.

[۵۴۰] م - اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حجتش صحیح است ظاهراً و احتیاطاً مستحب آن است که اگر یادش آمد بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا قبل از فارغ شدن از اعمال احرام ببندد و تمام کند حج را و در سال بعد اعاده کند.

[۵۴۱] م - جاهل به مسأله اگر احرام نبندد در حکم کسی است که به واسطه ی فراموشی احرام نبسته.

[۵۴۲] م - اگر کسی از روی علم و عمد ترک کند احرام را تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از این که شخص، احرام بسته و از مکه بیرون آمد همین که بر ابطح مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه منی شود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَ إِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي.» و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ مِنْ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ.» و مستحب است شب عرفه را در منی بوده و به اطاعتِ الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب گفته پس به عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع فجر روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسر رد نشود و روانه شدن پیش از فجر مکروه است و چون به عرفات متوجه شود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

فصل دوم

وقوف به عرفات

[۵۴۳] م - واجب است وقوف به عرفات - که محلی است معروف و محدود است بحدود معروفه - بقصد قربت و خالص مثل سایر عبادات.

[۵۴۴] م - مراد از وقوف، بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

[۵۴۵] م - اگر در تمام وقت بیهوش باشد یا خواب بدون آنکه قبلاً قصد وقوف کرده باشد، وقوف او باطل است.

[۵۴۶] م - به احتیاط واجب لازم است در عرفات باشد از بعد از زوال روز نهم تا غروب شرعی که وقت نماز مغرب است، پس جائز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و توقف کند.

[۵۴۷] م - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد مثلاً به مقدار نماز ظهر و عصر که جمع بین آنها کند، معلوم نیست حرام باشد، ولی احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

[۵۴۸] م - بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است چنانچه گذشت لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است اگر چه توقف نکردن از روی عمد و علم باشد.

[۵۴۹] م - آنچه در وقوف رکن است مسمای وقوف است به این معنی که به قدری بماند که عرفاً بگویند در عرفات توقف کرده است.

[۵۵۰] م - اگر از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد حشش باطل است، و کفایت نمی‌کند برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است.

[۵۵۱] م - اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست بنابر اقوی، لکن احتیاط در کفاره است به یک شتر، و هم چنین اگر بدون آن که پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد لکن بعد از رسیدن

با قصد قربت توقف کند چیزی بر او نیست.

[۵۵۲] م - اگر در فرض سابق مراجعت نکرد کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند هر جا بخواهد، و احتیاط مستحب آن است که در مکه قربانی کند، و اگر متمکن از قربانی نباشد هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سرهم روزه بگیرد.

[۵۵۳] م - اگر سهواً کوچ کرد و بیرون رفت پس اگر یادش آمد باید مراجعت کند، و اگر مراجعت نکرد گناهکار است، و بنابر احتیاط کفاره دارد و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

[۵۵۴] م - اگر کسی از روی ندانستن مسأله، آنچه ذکر شد بکند حکم او حکم کسی است که سهواً کرده است.

[۵۵۵] م - اگر کسی به واسطه‌ی عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن، از ظهر نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد، و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

[۵۵۶] م - اگر کسی که به واسطه‌ی عذر، روز نهم را وقوف نکرده و شب دهم را عمداً و بی‌عذر در عرفات وقوف نکند ظاهراً حج او باطل می‌شود اگر چه درک کند وقوف به مشعر را.

[۵۵۷] م - اگر کسی به واسطه‌ی فراموشی یا غفلت یا عذر

دیگر ترک کند و قوف به عرفات را در روز نهم که وقت اختیاری است و در شب دهم که وقت اضطراری است کفایت می‌کند در صحیح بودن حج او که وقوف اختیاری مشعر را درک کند چنانچه خواهد آمد.

مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

- ۱- با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲- غسل نمودن و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
- ۳- آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس إلهی گردد.
- ۴- نسبت به قافله ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد.
- ۵- وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا رفتن کوه مکروه است.
- ۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
- ۷- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجه ساخته و حمد إلهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد، پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه: سوره «توحید»

را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه
ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكَّرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسَعَ
عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْأَنْسِ
اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَ لَا تَخْدَعْني وَ لَا تَسْتَدْرِجني يَا أَسْمَعَ
السَّمَاعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي
كَذَا وَ كَذَا.»

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به
آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَنِي وَ إِنْ
مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيْتَنِي أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ
تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا
خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ دَلَّتْ عَلَيْهَا وَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَ
صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطْلَتْ
عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.»

۸- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرًا مِّمَّا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تَرَاتِي (بِرَاءَتِي خ ل) وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُوْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْاَمْرِ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيْ بِهٖ الرِّيَّاحُ وَ اَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيْ قَلْبِيْ نُورًا وَ فِيْ سَمْعِيْ وَ بَصْرِيْ نُورًا وَ فِيْ لَحْمِيْ وَ دَمِيْ وَ عِظَامِيْ وَ عُرُوْقِيْ وَ مَقْعَدِيْ وَ مَقَامِيْ وَ مَدْخَلِيْ وَ مَخْرَجِيْ نُورًا وَ اَعْظَمْ لِيْ نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ اَلْقَاكَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

و در این روز تا می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آن که کعبه را استقبال نموده و این اذکار را بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ» صد مرتبه «اللهُ اَكْبَرُ» صد مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله» صد مرتبه: «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَ يُمِيْتُ وَ يُمِيْتُ وَ يُحْيِيْ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

صد مرتبه پس از سوره بقره ده آیه بخواند پس سوره توحید

سه مرتبه و آیه الکرسی را بخواند تا آخر پس این آیات را بخواند:

«اِنَّ رَبَّكُمْ اللهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلٰى الْعَرْشِ يُغْشِيْ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهٗ حَيْثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُوْمُ مَسْحُرَاتٍ بِاَمْرِهِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ

رَبُّ الْعَالَمِينَ - ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْمُعْتَدِينَ - لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا - وَلَا تَفْسِدُوا
 فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ
 قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ.»

پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
 النَّاسِ» را بخواند. پس آنچه از نعم الهی بیاد داشته باشد یکایک
 ذکر نموده و حمد الهی نماید، و همچنین بر أهل و مال و سائر
 چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد بنماید و بگوید:
 «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا
 تُكْفَى بِعَمَلٍ.»

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است خدا را
 حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است خدا را
 تسبیح نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است خدا را
 تکبیر نماید و به آیاتی که در آنها تهلیل شده است خدا را تهلیل
 نماید و بر محمد و آل محمد علیهم الصلاة والسلام زیاد صلوات
 بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را
 بخواند و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به
 اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند و
 آنها عبارتند از: «اللَّهُ - عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ - الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ -
 الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ - السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ.» و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ
وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بِجَمْعِكَ وَ
بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ
الْأَكْبَرَ الْأَكْبَرَ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ
أَنْ تُجِيبَهُ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ
كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ
ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي.»

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب

کن که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سال. و هفتاد مرتبه بگو:
«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». پس
بخوان این دعا را: «اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ
الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فِسْقَةِ
الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ»

۱۰ - آن که نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتَّتِ الْأُمُورِ وَ مِنْ
شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَ أَصْبَحَ
وَ جِهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سِئَلَ وَ أَجْوَدَ
مَنْ أُعْطِيَ وَ أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحِمَ جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ الْبَسَنِي عَافِيَتِكَ
وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ.»

و بدانکه ادعیه وارده در این روز شریف بسیار است و هر قدر که میسور باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین سلام الله علیه را که در صحیفه کامله است خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ اَقْلَبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ.»

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ.»

فصل سوم

در وقوف به مشعر الحرام

[۵۵۸] م - بعد از آن که از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید کوچ کند به مشعر الحرام که محل معروفی است و حدود معینی دارد.

[۵۵۹] م - احتیاط واجب آن است که شب دهم را تا طلوع فجر در مشعر الحرام به سر ببرد و نیت کند اطاعت خدا را در این به سر بردن شب.

[۵۶۰] م - چون فجر طلوع کرد نیت وقوف به مشعر الحرام کند تا طلوع آفتاب یعنی تجدید نیت کند و این نیت با نیت در مسئله‌ی قبلی فرق می‌کند، و چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص از ریاء و خود نمایی وقوف کند، و الاّ حج او در صورت ریاء کردن با عمد و علم باطل خواهد شد.

[۵۶۱] م - اقوی جواز کوچ کردن بلکه استحباب آن است

کمی قبل از طلوع آفتاب به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی کفاره بر او نیست و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.

[۵۶۲] م - واجب است از طلوع فجر تا کمی قبل از طلوع آفتاب (به طوری که در مسأله پیش گفته شد) در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است به مقداری که عرفاً بگویند توقف در مشعر کرده است، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

[۵۶۳] م - جائز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند کوچ کنند به منی مثل زنهای بیچه ها و بیماران و پیر مردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند، و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست، و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند.

[۵۶۴] م - کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده است اگر قبل از طلوع فجر عمداً و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده است

بنابر مشهور حج او صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهد، لکن اگر اقوی بر خلاف آن نباشد، حداقل احتیاط بر خلاف آن است، یعنی بعد از اتمام حج لازم است در سال دیگر حجش را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود.

[۵۶۵] م - کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در صورتی که صاحب عذر باشد اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند اگر چه کم باشد حج او صحیح است. با این فرض که درک اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد.

[۵۶۶] م - از آنچه گذشت معلوم شد که برای وقوف به مشعر سه وقت است:

اول - شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم - بین طلوع فجر و طلوع آفتاب.

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، چنانچه قسم اول نیز اضطراری است.

[۵۶۷] م - چون معلوم شد که وقوف به عرفات و مشعر اختیاری و اضطراری دارند و از برای وقوف به مشعر دو قسم اضطراری است، پس به ملاحظه ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری مفرداً و مرکباً و به ملاحظه ترک عمدی یا جهلی یا نسیانی اقسام زیادی دارد که در این جا آنچه

مورد ابتلاء ممکن است بشود ذکر می‌شود:

اول - آن که مکلف، درک هر دو موقف کند در وقت اختیاری، یعنی از ظهر روز عرفه، عرفات را و بین الطلوعین صبح دهم، مشعر را درک کند. پس اشکالی در صحت حج او نیست.

دوم - آن که هیچ یک از دو موقف را درک نکند نه اختیاری آنها را و نه اضطراری را، پس اشکالی نیست در بطلان حج او، و باید به همان احرام حج عمره‌ی مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن به جا آورد و از احرام محل شود، و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً ذبح کند، و باید سال دیگر، حج به جا آورد اگر شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به واسطه‌ی عذر باشد.

[۵۶۸] م - اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر می‌شود و باید سال دیگر چه شرایط باشد یا نباشد به حج برود.

[۵۶۹] م - احتیاط مستحب آن است که این شخص که حج او باطل شد و باید عمره به جا آورد نیت عدول به عمره‌ی مفرده بکند. سوم - آن که درک کند اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر در روز، یعنی اضطراری نهاری مشعر را، پس اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حج او باطل است، و الاً صحیح است.

چهارم - آن که درک کرده باشد اختیاری مشعر را با

اضطراری عرفه، پس اگر اختیاری عرفه را عمداً ترک کرده حج او باطل است و الاً صحیح است.

پنجم - آن که درک کرده باشد اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر یعنی قبل از طلوع فجر، پس اگر اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده است چنانچه گفته شد حج او صحیح است، و الاً باطل است بنا بر احتیاط واجب.

ششم - آن که درک کرده باشد اضطراری لیلی مشعر و اضطراری عرفه را پس اگر صاحب عذر باشد و اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد ظاهراً حج او صحیح است، و غیر صاحب عذر اگر اختیاری یکی را عمداً ترک کرده باشد حش باطل است بنا بر اقوی در یکی، و بنا بر احتیاط در دیگری که اختیاری مشعر باشد. و اگر به غیر عمد باشد احتیاط واجب در بطلان است.

هفتم - آن که درک کرده باشد اضطراری عرفه و اضطراری یومی مشعر را، پس اگر ترک یکی از دو اختیاری را عمداً کرده باشد حج او باطل و الاً صحت بعید نیست گرچه احتیاط اعاده است در سال بعد با حاصل بودن شرایط وجوب.

هشتم - آن که درک کند اختیاری عرفه را فقط، احتیاط واجب در این صورت اتمام و اعاده است اگر اختیاری مشعر را عمداً ترک نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

نهم - آن که درک اضطراری عرفه را فقط، در این صورت

حج او باطل است.

دهم - آن که درک کند اختیاری مشعر را، در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد، و الاً حج او باطل است.

یازدهم - آن که درک اضطراری روز مشعر را فقط، در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم - آن که درک کند اضطراری لیلی مشعر را فقط، در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد ظاهراً حج او صحیح است و الاً باطل است.

مستحبات و قوف به مشعر الحرام

بدان که مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات بسوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفِيقِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مِنَّا سِئَاتِي.»

و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز مغرب و عشاء را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در

صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را بتأخیر نیندازد، و در میان راه بخواند و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست راه نزول نماید، و اگر حاجی صروره باشد مستحب است که در مشعر الحرام قدم بگذارد و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعتِ الهی بسر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ أَنْ تَقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ»

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و به هر مقداری که میسور باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعاء نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَن خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي»

و مستحب است سنگ ریزه‌هائی را که در منی رمی خواهد نمود از مزدلفه بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی محسّر رسید به مقدار صد قدم مانند شتر تند رود و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

فصل چهارم

واجبات منی

اول - رمی جمره عقبه

یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلی است در منی.
و در این جا چند مسأله است:

[۵۷۰] م - شرط است در سنگی که می خواهد بیندازد به آن (حصی) یعنی ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل (شن) کافی نیست، و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جائز نیست، و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

[۵۷۱] م - شرط است که سنگها از حرم باشد، و سنگ خارج حرم کافی نیست، و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می تواند

بردارد مگر مسجد الحرام او مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از مشعر بردارد.

[۵۷۲] م - شرط است که سنگها بکر باشند، یعنی آنها را کسی دیگری به وجه صحیح نینداخته باشد اگر چه در سالهای قبل.

[۵۷۳] م - شرط است که مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آن چه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

[۵۷۴] م - وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می تواند به نیت قضا به جا آورد، و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

[۵۷۵] م - واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول - نیت، با قصد خالص بدون ریاء و نمایش دادن عمل به غیر که موجب بطلان می شود.

دوم - آن که آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم - آن که به انداختن، به جمره برسد. پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا کمک آن به جمره رسید کافی نیست، لکن اگر سنگ به جائی بخورد و کمانه کند و به جمره برسد کافی است ظاهراً.

چهارم - عدد سنگ ریزه ها باید هفت باشد.

پنجم - باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

[۵۷۶] م - اگر شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه جائز است به آن بیندازد.

[۵۷۷] م - اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آورده اند اعتناء نکند.

[۵۷۸] م - اگر شک کند به سنگی که می خواهد بیندازد (حصی یعنی ریگ گفته می شود باید به آن اکتفاء نکند).

[۵۷۹] م - اگر شک کند در عدد انداختن در وقتی که مشغول عمل است باید چندان بیندازد تا علم به عدد پیدا کند، و هم چنین اگر شک کند که سنگی که انداخت خورد به جمره یا نه باید بیندازد تا علم به رسیدن پیدا کند.

[۵۸۰] م - اگر سنگی را که انداخت به جمره نرسید باید دو مرتبه بیندازد اگر چه در وقت رمی گمانش آن بود که رسیده است، پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهها به آنها رمی کرده کافی نیست، و باید اعاده کند اگر چه در سال دیگر به وسیله نایش.

[۵۸۱] م - اگر چند سنگ را با هم بیندازد مانع ندارد لکن یکی

حساب می‌شود، چه یکی از آنها به محل بخورد یا همه.

[۵۸۲] م - جائز است سواره و پیاده سنگ بیندازد.

[۵۸۳] م - باید سنگ را با دست بیندازد، اگر با پا یا دهان

بیندازد کافی نیست و اکتفا کردن با فلاخن، خلاف احتیاط است.

[۵۸۴] م - اگر بعد از آن که سنگ را انداخت و از محل

منصرف شد شک کند در عدد سنگها، در صورتی که شک او بعد از

صدق عرفی فراغ باشد، به شک خود اعتنا نکند ولی اگر قبل از آن

شک در نقیصه کند باید برگردد و نقیصه را تمام کند، و در شک در

زیاده اعتناء نکند.

[۵۸۵] م - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شک کند در انداختن

سنگ یا در عدد آن اعتناء نکند.

[۵۸۶] م - اگر بعد از فارغ شدن شک کند در این که درست

انداخته یا نه، بنابر صحت بگذارد، بلی اگر در رسیدن سنگ آخری

به محل شک کند در صورتی که بعد از صدق عرفی فراغ باشد

اعتنا نکند و اگر قبل از آن است باید تدارک کند، ولی اگر رسیدن را

دانست و احتمال داد که با پا انداخته باشد یا سنگ مستعمل

انداخته باشد اعتناء نکند.

[۵۸۷] م - ظن به رسیدن سنگ و عدد آن اعتبار ندارد.

[۵۸۸] م - در انداختن سنگها شرط نیست طهارت از حدث یا

خبث و در خود سنگها نیز طهارت شرط نیست.

[۵۸۹] م - از بچه‌ها و بیمارانی که امید ندارند تا غروب بهبودی حاصل کنند و کسانی که نمی‌تواند به واسطه‌ی عذری - مثل اغماء - خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند و در نیابت نیازی به اذن منوب عنه نیست.

[۵۹۰] م - مستحب است بلکه موافق احتیاط است که اگر بشود مریض را حمل کنند و ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ بیندازند.

[۵۹۱] م - اگر مریض خوب شد و بی‌هوش به هوش آمد بعد از آن که نایب سنگها را انداخت لازم نیست خودش اعاده کند، و اگر در بین سنگ انداختن خوب شد یا به هوش آمد باید خودش از سر، سنگ بیندازد، و کفایت کردن به مقداری که نایب عمل کرده مشکل است.

[۵۹۲] م - کسانی که عذر دارند از این که روز رمی کنند می‌توانند شب عمل کنند، هر وقت شب که باشد.

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال رمی.
- ۲ - هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْنِي لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».

۳- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴- هر سنگی را که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ وَجُنُودَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا».

۵- میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله

باشد و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد.

۶- جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و

جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی نماید.

۷- سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت

شهادت بیندازد.

۸- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَ نِعْمَ
الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ».

دوم - ذبح (قربانی)

[۵۹۳] م- واجب است بر کسی که حج تمتع به جا می آورد

ذبح یک هدی، یعنی یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند، و شتر

افضل است و پس از آن گاو بهتر است.

[۵۹۴] م- کفایت نمی کند برای چند نفر به شرکت، یک هدی

در حال اختیار بلکه در حال ضرورت نیز محل اشکال است، و احتیاط واجب جمع بین شرکت در ذبح و روزه است که ذکر می‌شود. هم‌چنین است اگر ذبح به صورت انفرادی ممکن نیست ولی به صورت مشترک ممکن است، در این جا هم احتیاط واجب جمع بین ذبح مشترک و روزه است.

[۵۹۵] م - سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور کافی

نیست.

[۵۹۶] م - در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

اول - آن که اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد، و اگر گاو است بنابر احتیاط واجب کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد، و هم‌چنین در «بز» کمتر از سن گاو نباشد، و در میش به احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم - باید صحیح باشد پس حیوان مریض کافی نیست

حتی مثل کچلی بنابر احتیاط.

سوم - بنابر احتیاط واجب باید خیلی پیر نباشد.

چهارم - باید تام الاجزاء باشد، و ناقص کافی نیست. پس

اگر واضح باشد کوری یا لنگی آن بنابر اقوی کافی نیست، و اگر واضح نباشد به احتیاط واجب کافی نیست و احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد و باید گوش بریده و دم بریده و

شاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد.

پنجم - باید عرفاً لاغر نباشد

ششم - باید «خصی» نباشد، یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

هفتم - باید بیضه آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب.

هشتم - باید در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد بعید نیست کفایت، اگر چه خلاف احتیاط است.

نهم - در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

[۵۹۷] م - اگر غیر از خصی یافت نشود بعید نیست کفایت

ذبح خصی و کسی که نتواند قربانی را با این شرایط تهیه کند، هرچه برایش ممکن باشد، همان کافی است، گرچه احتیاط در جمع بین آن و سالم در ماه ذی الحجه همان سال، و اگر نشد سال دیگر، یا جمع بین ناقص و روزه.

[۵۹۸] م - گاو میش در ذبح واجب، کافی است لکن گفته اند

کراهت دارد.

[۵۹۹] م - اگر حیوان، شاخ خارجش شکسته یا بریده باشد

اشکال ندارد، و شاخ خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است از برای شاخ داخل که آن شاخ سفید است.

[۶۰۰] م - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن مانع ندارد،

و احتیاط آن است که چنین نباشد.

[۶۰۱] م - باید ذبح را بعد از رمی جمره عقبه بکند به احتیاط واجب. ولی اگر از روی جهل و فراموشی مقدم بدارد اعاده لازم نیست.

[۶۰۲] م - یک گوسفند، کمتر چیزی است که کافی است برای ذبح، لکن هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایت است که رسول خدا ﷺ صد شتر همراه آوردند، سی و چهارتای آنها را برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش تای آنها را برای خودشان.

[۶۰۳] م - اگر هدی یافت نشود قیمت آن را پیش شخصی امینی بگذارد که در بقیه‌ی ذی الحجه بگیرد و در منی ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشود سال بعد این کار را بکند.

[۶۰۴] م - اگر هدی ناقص یافت شود (از غیر جهت خصی بودن که گذشت) احتیاط واجب آن است که آن را ذبح کند و یک هدی تام هم در بقیه‌ی ذی الحجه، و اگر نشد در سال آینده ذبح کند، و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین هدی ناقص و هدی تام به طوری که گفته شد و روزه به نحوی که ذکر شد.

[۶۰۵] م - احتیاط واجب آن است که ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد.

[۶۰۶] م - اگر به واسطه‌ی عذری مثل فراموشی یا غیر آن

ذبح را در روز عید نکرد احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» ذبح کند، و اگر نشد در بقیه‌ی ماه ذی الحجّه، و در تأخیر عمدی نیز همین حکم است.

[۶۰۷] م - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست، و باید دوباره ذبح کند. ولی اگر پس از خرید و قبل از ذبح معلوم شد مریض یا ناقص بوده اما تعویض آن برای او امکان نداشت ذبح همان کافی است.

[۶۰۸] م - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر است کافی است.

[۶۰۹] م - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق در آید برای اطاعت خدا رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی است.

[۶۱۰] م - اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد لکن از روی بی‌مبالاتی ذبح کرد نه به امید موافقت امر خداوند کافی نیست.

[۶۱۱] م - اگر لاغری آن را اعتقاد داشت و به واسطه‌ی جهل به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد بعد معلوم شد چاق است کفایت می‌کند.

[۶۱۲] م - اگر ناقص بودن را اعتقاد داشت و به واسطه‌ی جهل

به مسأله برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد صحیح است ظاهراً کافی باشد.

[۶۱۳] م - احتیاط آن است که ذبیحه را سه قسمت کنند، یک قسمت را هدیه بدهند. و یک قسمت را صدقه بدهند، و قدری هم از ذبیحه بخورند و صدقه را به مؤمنین بدهند، و لکن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست، و اگر صدقه را به فقرا یا کفار بدهد یا آن که تمام ذبیحه را به آنها بدهد اشکال ندارد و ضامن حصه‌ی فقراء نیست، لکن احتیاط خصوصاً در خوردن قدری از ذبیحه خیلی مطلوب است.

[۶۱۴] م - جائز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نائب کند و بنا بر احتیاط واجب خود شخص هم نیت کند.

[۶۱۵] م - احتیاط مستحب آن است که ذابح مؤمن باشد.

[۶۱۶] م - در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمن انجام گیرد کفایت می‌کند.

[۶۱۷] م - ذبح هم از عبادات است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است.

[۶۱۸] م - احتیاط آن است که اگر احتمال نقص یا مرض در گوسفند بدهند آن را معاینه کنند، اگر چه اقوی در احتمال آن که عیبی حادث شده باشد مثل آن که احتمال بدهد گوش یا دمش را

بریدند یا آن را خصی کردند، عدم لزوم معاینه است، و احتیاط در عیبهائی که محتمل است از حال تولد داشته و مادر زاد بوده، ترک نشود.

[۶۱۹] م - اگر بعد از ذبح کردن احتمال داد ناقص بودن یا نداشتن سایر شرایط را اعتناء نکند.

[۶۲۰] م - اگر به کسی نیابت داد برای خریداری کردن و ذبح و نایب انجام داد و بعد از آن شخص محرم احتمال داد که نایب به شرایط عمل نکرده باشد به این احتمال اعتناء نکند و ذبح کافی است.

[۶۲۱] م - اگر کسی را نایب کرد برای خریداری و ذبح، باید علم پیدا کند یا اطمینان به این که عمر کرده است، و گمان کفایت نمی‌کند.

[۶۲۲] م - اگر نایب عمداً بر خلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد، و باید دو مرتبه ذبح کنند.

[۶۲۳] م - اگر نایب از روی اشتباه یا جهل بر خلاف دستور عمل کند چه برای عمل اجرت گرفته باشد و چه نگرفته باشد، ضامن است و در هر صورت باید اعاده شود.

چند مسأله راجع به بدل ذبیحه

- [۶۲۴] م - اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.
- [۶۲۵] م - مراد از این که قادر بر ذبح نباشد آن است که نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.
- [۶۲۶] م - اگر می تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در ازاء قرض چیزی که ادا کند داشته باشد باید قرض کند و ذبح کند.
- [۶۲۷] م - اگر می تواند بدون مشقت چیزی که زائد از مؤونه سفر است بفروشد باید بفروشد، و هدی بخرد.
- [۶۲۸] م - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند، لکن اگر کسب کرد و تهیه کرد باید ذبح کند.
- [۶۲۹] م - اگر لباسی دارد که مورد نیاز او نیست، بنا بر احتیاط واجب باید آن را بفروشد و قربانی تهیه کند.
- [۶۳۰] م - این سه روز روزه را باید در ماه ذی الحجه بگیرد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم بگیرد، و جلوتر نگیرد.
- [۶۳۱] م - باید این سه روز دنبال هم باشد.
- [۶۳۲] م - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد روز هشتم و نهم بگیرد، و یک روز دیگر بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آن است که بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است بگیرد.

[۶۳۳] م - این سه روز روزه را در آیام تشریق در منی جائز نیست بگیرد، بلکه در آیام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است بنا بر احتیاط واجب، چه حج به جا بیاورد یا نه.

[۶۳۴] م - احتیاط مستحب برای کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و هشتم و نهم را گرفته آن است که بعد از مراجعت از منی سه روز روزه بگیرد - که اول آن، روز کوچ کردن است یعنی سیزدهم مشروط بر اینکه روز سیزدهم در منی نباشد والا باید از روز چهاردهم شروع کند. - و متوالی بگیرد، و قصدش آن باشد که سه روز از پنج روز برای اداء روزه واجب باشد.

[۶۳۵] م - اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی سه روز دنبال هم بگیرد.

[۶۳۶] م - جائز است اگر از هشتم روزه تعویق افتاده تا آخر ذی الحجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد، اگر چه احتیاط آن است که بعد از آیام تشریق فوراً بگیرد.

[۶۳۷] م - این سه روز را در سفر می تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت نیست بین راه هم جائز است بگیرد.

[۶۳۸] م - اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی لازم نیست ذبح کند، لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

[۶۳۹] م - اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند، و روزه فایده ندارد.

[۶۴۰] م - باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره به جا آورد و قبل از آن نمی تواند.

[۶۴۱] م - هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج روزه بگیرد.

[۶۴۲] م - احتیاط واجب آن است که پی در پی به جا آورد.
 [۶۴۳] م - جائز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آن که بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانست به وطن خود مراجعت کند جائز است به جا آورد، و همچنین جائز است اگر یک ماه بماند.

[۶۴۴] م - در این ایام که با هواپیما مراجعت می کنند بعید نیست برای کسی که در مکه اقامت کرده جائز باشد به همان مقداری که هواپیما اشخاص را به محل می رساند صبر کند و روزه بگیرد، لکن احتیاط خلاف آن است و به احتیاط واجب جمع بین سه روز و هفت روز را نکند.

[۶۴۵] م - اگر در غیر مکه چه در راه یا در بلدی غیر از وطن خودش اقامت کرد در صورتی که قصد توطن کند یا به اندازه ای که

می توانست به وطن برسد صبر کند، می تواند روزه را بگیرد.
[۶۴۶] م - ابتداء ماهی را که اگر بماند در مکه جائز است روزه را بگیرد و همین طور ابتداء حساب موقع رسیدن به وطن را ظاهراً باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه کرد حساب کند.
[۶۴۷] م - اگر متمکن از روزه گرفتن شد و قبل از آن که روزه بگیرد مرد، واجب است وَلّی او سه روز را قضا کند بنابر اقوی، و هفت روز دیگر را بنابر احتیاط واجب.
[۶۴۸] م - لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد می تواند بگیرد.

[۶۴۹] م - اگر متمکن از سه روز روزه نشد در مکه و برگشت به محل خود در صورتی که ماه ذی الحجه باقی است می تواند در محل بگیرد، لکن با هفت روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد باید هدی ذبح کند اگر چه به وسیله‌ی شخص امینی باشد.

مسائل متفرقه هدی

[۶۵۰] م - تقسیم قربانی به سه قسم واجب نیست. و فروش یا هبه سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است، بنابر این، عمل بعضی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر ثلث فقیر را از قربانی بخود حاجی می فروشند یا هبه می کنند صحیح نیست. اما جایز

است که قبل از قبض، از فقیری در وطنش وکالت بگیرد که در یک سوم قربانی طبق خواسته‌ی او تصرف کند.

[۶۵۱] م - گفته می‌شود که در منی، مسلخ فعلی کمی در وادی محسر ساخته شده و در این صورت هر چند در صورت امکان ولو تا آخر ذیحجه باید در منی قربانی کنند لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.

[۶۵۲] م - کسی که اجیر در حج است می‌تواند برای قربانی، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور نیت قربانی حجبی که موکلش از طرف موکل خود انجام می‌دهد را می‌نماید. و بنا بر احتیاط واجب خود شخص هم باید نیت بکند.

[۶۵۳] م - تأخیر ذبح از روز عید عمداً جایز نیست علی‌الاحوط لکن اگر تأخیر شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً، ذبح در شب کفایت می‌کند.

[۶۵۴] م - کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند می‌توانند قبل از این که حلق یا تقصیر کنند قربانی دیگری را ذبح نمایند.

مستحبات هدی

مستحبات هدی چند چیز است:

۱ - در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت

نبودن آن گاو و در صورت نبودن آن گوسفند باشد.

۲ - قربانی بسیار فربه باشد.

۳ - در صورت شتر یا گاو بودن آن از جنس ماده و در

صورت گوسفند یا بز بودن آن از جنس نر باشد.

۴ - شتری که می‌خواهند او را نحر کنند ایستاده و از

سردستها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست او بایستد،

و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا

نحر این دعا را بخواند:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا
 أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ
 اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

۵- اینکه خود قربانی را بکشد و اگر نتواند، دست خود را

بالای دست کشنده بگذارد.

سوم - تقصیر یا حلق

[۶۵۵] م - هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر

بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر چند طایفه:

اول - زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند، و کافی

نیست ظاهراً برای آنها سر تراشیدن.

دوم - کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

سوم - کسی که موی سر خود را به عسل یا «صمغ» یا نحو آن برای رفع شپش و نحو آن چسبانیده باشد باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

چهارم - کسی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است باید سر بتراشد به احتیاط واجب.

پنجم - خنثای مشکل اگر از این سه دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند و سر نتراشد.

[۶۵۶] م - اگر خنثای مشکل از این سه طایفه باشد، واجب است هم تقصیر کند و هم سر بتراشد احتیاطاً.

[۶۵۷] م - احتیاط آن است که کسی که سر را می تراشد تماماًش را بتراشد.

[۶۵۸] م - در تقصیر کفایت می کند مقدار کمی از موی سر یا ریش یا شارب را چیدن به هر نحو و یا هر آلت که باشد، و یا ناخن گرفتن، و بهتر است که هم مقداری از مو بگیرد و هم ناخن را بگیرد.

[۶۵۹] م - سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریاء و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست، و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی شود.

[۶۶۰] م - جائز است سر را خود انسان تراشد یا به سلمانی بدهد، و هم چنین در تقصیر و باید خودش نیت کند، و بهتر آن است که سلمانی هم نیت کند.

[۶۶۱] م - کسانی که سر تراشیدن بر آنها متعین است مثل اشخاصی که در مسأله اول ذکر شد، اگر سر آنها مو نداشته باشد باید تیغ را بکشند به سر آنها، و آن کافی است از تراشیدن سر.

[۶۶۲] م - کسانی که مخیر هستند میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، اگر سرشان مو نداشت باید تقصیر کنند، و اگر هیچ مو نداشتند حتی موی ابرو باید ناخن بگیرند، و اگر آن را هم نداشتند تیغ را به سر بکشند کافی است.

[۶۶۳] م - تراشیدن ریش کفایت نمی کند از تقصیر.

[۶۶۴] م - اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل یا عانه محل اشکال است.

[۶۶۵] م - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و جائز نیست اختیاراً در غیر آنجا.

[۶۶۶] م - احتیاط آن است که در روز عید باشد اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق.

[۶۶۷] م - اگر کسی سر نتراشید و تقصیر نکرد در منی و از آنجا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد، و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترک کرده یا نسیاناً و سهواً

یا به واسطه‌ی مسأله ندانستن.

[۶۶۸] م - اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند، وموی خود را بفرستد به منی در صورت امکان، و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محل خیمه خود.

[۶۶۹] م - جائز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی، و هم چنین سعی را جائز نیست جلو بیندازد.
 [۶۷۰] م - اگر قبل از سر تراشی یا تقصیر طواف و سعی کند از روی سهو یا جهل به حکم، باید برگردد و سر بتراشد یا تقصیر کند، و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را به جا آورد، و اگر نمی‌تواند به منی برگردد هر جا هست سر بتراشد و تقصیر کند و اعاده کند طواف و نماز و سعی را.

[۶۷۱] م - اگر از روی علم و عمد این کار را کرده باید علاوه بر اعاده طواف و نماز و سعی یک گوسفند ذبح کند.

[۶۷۲] م - اگر فقط طواف را از روی علم و عمد مقدم داشته گوسفند لازم است، و اگر فقط سعی را مقدم داشته گوسفند لازم نیست، لکن باید اعاده کند آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن.

[۶۷۳] م - اگر از روی علم یا جهل یا نسیان بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را تراشید یا تقصیر کرد، احتیاط آن است که

اعاده کند تا ترتیب حاصل شود، و اگر تکلیفش سر تراشی بوده تیغ را به سر بکشد احتیاطاً.

[۶۷۴] م - به احتیاط واجب باید در منی اول رمی جمره کند و بعد از آن ذبح کند و بعد تقصیر یا حلق.

[۶۷۵] م - اگر برخلاف این ترتیب عمل کند پس اگر از روی غفلت و سهو بوده اعاده لازم نیست، و اگر از روی جهل به مسأله بوده بعید نیست که اعاده نخواهد و احتیاط به اعاده است، و اگر از روی علم و عمد بوده در صورت امکان احتیاط را ترک نکند.

[۶۷۶] م - بعد از آن که محرمی که وظیفه اش سر تراشیدن بود سر تراشید، یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد حلال می شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده به واسطه احرام حج، مگر زن و بوی خوش، و اما صید از دو جهت حرمت داشت: یکی آن که در حرم صید جائز نیست نه برای محرم و نه برای غیر محرم و این حرمت باقی است، دوم آن که در خصوص محرم نیز صید جائز نیست چه در حرم باشد یا غیر حرم و بعید نیست که به واسطه ی حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته شود، پس جائز است از برای او صید در خارج حرم.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر در حج

[۶۷۷] م - اگر قربانی به دلیلی از روز عید تاخیر افتاد، بنابر

احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی‌الاحوط. در صورت تمکن و نه در صورت اضطرار و یا حرج.

[۶۷۸] م - تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق مانع ندارد هر چند عمدی باشد و حلق در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.
 [۶۷۹] م - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده نمی‌تواند حلق کند ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است و اگر بعد از حلق اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت می‌کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

[۶۸۰] م - کسانی که سال اول حج آنها است و وظیفه‌ی آنها سر تراشیدن می‌باشد بنا بر احتیاط، جایز نیست به واسطه‌ی زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آن را بتراشند هر چند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

[۶۸۱] م - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از این که خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله‌ی موی دیگری نیز قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست ولو برای

تقصیر. و البته اگر چنین کرد بعید نیست که تقصیر واقع و موجب احلال شود.

مستحبات حلق

[۶۸۲] م - در حلق چند چیز مستحب است:

۱ - آن که از جانب راست پیش سر ابتدا کند و این دعا را

بخواند:

اللَّهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۲ - آنکه موی سر خود را در منی در خیمه‌ی خود دفن

نماید و اولی این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب

خود گرفته و هم چنین ناخن‌ها را بگیرد.

فصل پنجم

واجبات بعد از اعمال منی

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

[۶۸۳] م - جائز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد بیاید به مکه برای بقیه‌ی اعمال حج، و جائز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بعید نیست که جائز باشد تأخیر تا آخر ذی الحجه به این معنی که روز آخر ذی الحجه هم اگر آمد و اعمال را به جا آورد مانع ندارد.

[۶۸۴] م - اعمالی که در مکه واجب است به جا بیاورد: اول - طواف حج است که آن را طواف زیارت می‌گویند. دوم - نماز طواف است. سوم - سعی بین صفا و مروه است. چهارم - طواف نساء است. پنجم - نماز طواف نساء است.

[۶۸۵] م - کیفیت طواف حج و نماز آن وسی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که این جا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء به جا آورد.

[۶۸۶] م - جائز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و به جا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی به جا آورد در حال اختیار.

[۶۸۷] م - چند طایفه اند که برای آنها جائز است طواف حج و نماز وسی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آن که محرم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات به جا آورند، و عمل آنها مجزی است: اول - زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند. دوم - پیر مردها یا پیر زنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت یا عاجز از برگشتن به مکه باشند. سوم - اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن. چهارم - کسانی که می دانند تا آخر ماه ذی الحجه به جهتی برای آنها ممکن نمی شود طواف وسی.

[۶۸۸] م - سه طایفه اول اعمالی را که جلو انداختند کافی است اگر چه بعد خلاف آن ظاهر شود مثلاً زن حائض نشود، و مریض خوب شود، و ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت

شود، پس بر این‌ها لازم نیست اعاده اعمال گر چه احوط است.
 [۶۸۹] م - طایفه چهارم که عقیده داشت نمی‌تواند اعمال را
 به‌جا آورد اگر از جهت مرض و پیری و علیلی بود باز مجزی
 است، و اما اگر از جهت دیگر بود مثل آن که اعتقاد داشت سیل
 مانع می‌شود و بعد خلافتش ظاهر شد باید اعاده کند اعمال را بعد
 از رجوع.

[۶۹۰] م - شخص محرم که به واسطه‌ی احرام حج چیزهائی
 بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد در سه موقع و بعد از
 سه عمل به تدریج آنها بر او حلال می‌شود: اول - بعد از تقصیر
 کردن یا سر تراشیدن در منی که به آن همه چیز حلال می‌شود مگر
 بوی خوش وزن چنانچه پیش ذکر شد، و گفته شد که صید از جهت
 احرام نیز حلال می‌شود نه از جهت حرم. دوم - بعد از به‌جا
 آوردن طواف زیارت و نماز آن وسعی بین صفا و مروه به تفصیلی
 که گذشت، حلال می‌شود بر او بوی خوش، ولی زن بر او حرام
 است. سوم - بعد از به‌جا آوردن طواف نساء و نماز آن که در
 کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت، حلال می‌شود بر
 او زن نیز، پس بعد از این سه عمل همه چیز که به احرام حرام شده
 بود حلال می‌شود، و اما صید کردن در حرم حرام است برای همه
 کس چه محرم و چه مُجَل.

[۶۹۱] م - کسانی که به واسطه‌ی عذر مثل پیری و خوف

حیض، طواف زیارت و طواف نساء را مقدم داشتند، بوی خوش وزن بر آنها حلال نمی‌شود، و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق حلال خواهد شد.

[۶۹۲] م - طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه‌ی ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر وُلّی، او را محرم کرده باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

[۶۹۳] م - طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که حج کرده آن را به جا آورد، و اگر به جا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنا بر احتیاط واجب.

[۶۹۴] م - جائز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف زیارت یا بر نماز آن اختیاراً، و جائز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

[۶۹۵] م - جائز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد

در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد و این احتیاط ترک نشود.

[۶۹۶] م - اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد یا به واسطه‌ی ندانستن حکم مقدم بدارد طواف وسعیش صحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.

[۶۹۷] م - اگر طواف نساء را سهواً یا عمداً به جا نیاورد تا برگشت از حج پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و به جا بیاورد، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از به جا آوردن زن به او حلال می‌شود.

[۶۹۸] م - اگر کسی طواف واجب را - چه طواف عمره و چه طواف حج و چه طواف نساء - فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد باید یک هدی در مکه قربانی کند. و احتیاط آن است که شتر باشد، و اگر می‌تواند خودش برود و طواف و نماز آن را به جا آورد. و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم به جا آورد. و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد.

[۶۹۹] م - اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسأله به جا نیاورد و برگشت به محل خود باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد این جا نیز جاری است، و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر درب مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْفُؤُ طَاعَتَكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

پس به نزد حجر الاسود بیاید و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به حجر مالیده و دست خود را بیوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

فصل ششم

بیتوته به منی

[۷۰۰] م - واجب است بر حاج که شب یازدهم ذی الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

[۷۰۱] م - چند طایفه باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب

بمانند:

اول - کسی که صید کرده است در احرام، و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر محرم حرام است مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته شب سیزدهم. دوم - کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قبل و چه در دبر و چه با زن خود یا اجنبیه. ولی غیر از جماع کارهای دیگر مثل

بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نمی‌شود
بیتوته شب سیزدهم.

سوم - کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب
شب سیزدهم را درک کرد.

[۷۰۲] م - چند طایفه‌اند که واجب نیست در شبهای یازده و
دوازده و سیزدهم در منی بمانند:

اول - بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که برای آنها
مشقت داشته باشد مانند به هر عذری که باشد.

دوم - کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال
آنها در مکه از بین می‌رود، به شرطی که مال مُعْتَدَّ به باشد.

سوم - شبانهائی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن
در شب.

چهارم - کسانی که متکفل آب دادن به حجاج هستند در
مکه.

پنجم - کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت
مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای
ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید
وضوء.

[۷۰۳] م - کسی که در احرام عمره‌ی تمتع از صید وزن
اجتناب نکرده باید شب سیزدهم بماند، و این حکم اختصاص به

احرام حج ندارد.

[۷۰۴] م - مقدار شب که واجب است در این سه شب بیتوته کرد از اول شب است تا نصف آن، پس کسی که از غروب بیتوته کرد در منی تا نیمه شب مانع ندارد بعد از آن بیرون برود، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

[۷۰۵] م - کسی که در اول شب بی عذر در منی نبود احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا صبح بماند.

[۷۰۶] م - نیمه شب را برای کسانی که نیمه اول شب را بیتوته می‌کنند باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند بنا بر احتیاط واجب، و احتیاط آن است که برای کسانی که نیمه دوم شب را بیتوته می‌کنند از مغرب شرعی حساب کنند.

[۷۰۷] م - بیتوته در منی از عبادات است باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند به جا آورد.

[۷۰۸] م - جائز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود، حتی در بین راه منی و مکه به احتیاط واجب.

[۷۰۹] م - کسی که ترک کند بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند برای هر شبی یک گوسفند باید قربانی کند.

[۷۱۰] م - فرقی نیست در واجب بودن قربانی بین آن که از روی علم و عمد باشد یا از روی نسیان باشد یا از روی ندانستن مسأله.

[۷۱۱] م - کسانی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بودند و نیامده‌اند به منی قربانی بر آنها واجب نیست.

[۷۱۲] م - چهار طایفه‌ای که در مسأله‌ی سوم گفته شد واجب نیست در منی بمانند در صورتی که نماندند باید برای هر شب یک گوسفند کفاره قربانی کنند حتی دسته سوم و چهارم به احتیاط واجب.

[۷۱۳] م - گوسفندی که باید قربانی شود هیچ یک از شرایط هدی را که در منی برای حج باید ذبح کند لازم نیست داشته باشد.

[۷۱۴] م - گوسفندی را که باید قربانی کند محل معینی ندارد حتی می‌تواند پس از مراجعت به محل خود قربانی بکند اگر چه احتیاط آن است که در منی قربانی کند.

[۷۱۵] م - اگر قسمتی از اول شب که باید در منی بیتوته کرد، درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شوند، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کنند و فرقی بین صورت عذر و عدم عذر نیست.

[۷۱۶] م - کسانی که جائز است برای آنها کوچ کردن در روز دوازدهم باید بعد از ظهر کوچ کنند و جائز نیست قبل از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند مختارند هر وقت را بخواهند کوچ کنند.

مسائل متفرقه بیتوته به منی

[۷۱۷] م - اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نفر، بعد از ظهر به منی برگردد گر چه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

[۷۱۸] م - در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم زنها هم حکم مردان را دارند بنابر این اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

[۷۱۹] م - کسانی که در زمین های متصل به منی که از منی نیست در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند باید كفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا به گفته اشخاص محلی، مطمئن شده باشند.

[۷۲۰] م - اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کرده، واجب نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

فصل هفتم

رمی جمرات سه گانه

[۷۲۱] م - شب هائی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند، یعنی سنگ ریزه بزند به سه محل که یکی را جمره اولی و یکی را جمره وسطی و یکی را جمره عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه آن را ترک کند به حج او ضرر نمی رسند و صحیح است گر چه در صورت عمد معصیت کار است. ولی بنا بر احتیاط باید آن را قضا کند یا نائب بگیرد.

[۷۲۲] م - اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

[۷۲۳] م - عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبی گفته شد.

[۷۲۴] م - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آنروز را بیتوته کرده است، و در شب

جائز نیست به جا آورد.

[۷۲۵] م - اگر کسی عذری داشته باشد از این که روز به جا آورد مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم جمعیت باید شب آن روز، (شب مقدم) رمی نماید و اما شب مؤخر با علم به تمکن از رمی قضایی در روز مؤخر پس احوط تأخیر قضا است تا طلوع آفتاب.

[۷۲۶] م - واجب است ترتیب در سنگ انداختن به این که اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیندازد.

[۷۲۷] م - اگر به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد باید دو باره آنچه که بر خلاف ترتیب کرده به جا آورد به طوری که ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره به جا آورد و بعد جمره عقبه را و اعاده جمره اولی لازم نیست.

[۷۲۸] م - در حکمی که در مسأله‌ی هفتم ذکر شد فرق نیست میان آن که از روی علم و عمد خلاف ترتیب کند یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسأله، در هر صورت باید اعاده کند.

[۷۲۹] م - اگر کسی چهار سنگ به جمره اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره بعدی بشود کافی است، و لازم نیست تمام هفت سنگ مقدم باشد پس می تواند چهار سنگ به جمره اولی

بزند و بعد چهار سنگ به جمره وسطی و بعد مشغول جمره عقبه شود، و به هر ترتیب می خواهد هفت سنگ جمره عقبه و سه سنگ آن دو تای دیگری را ببندازد، لکن احتیاط واجب از برای کسی که از روی علم و عمد این کار را کرده اعاده است.

[۷۳۰] م - اگر کسی فراموش کند در یکی از روزها رمی کند واجب است روز بعد آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و هم چنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.

[۷۳۱] م - واجب است قضا را مقدم بدارد بر اداء پس در روز یازدهم اگر بخواند قضای روز عید را به جا بیاورد اول قضای عید را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که اداء است، و هم چنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواند قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را به جا آورد باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که اداء است.

[۷۳۲] م - چنانچه قضاء رمی جمرات سه گانه واجب است قضاء رمی بعضی از آنها هم اگر ترک شده باشد واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دو تای دیگر را نکرد روز بعد باید آن را که نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را به جا آورد.

[۷۳۳] م - اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را

بخلاف ترتیب انداخته باید قضا کند به طوری که ترتیب حاصل شود وبعد وظیفه این روز را به جا آورد.

[۷۳۴] م - اگر به هر یک از جمرات یا بعض آنها چهار سنگ انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید احتیاط واجب آن است که بقیه‌ی روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه‌ی روز را به جا آورد.

[۷۳۵] م - اگر کسی فراموش کند رمی جمرات سه گانه را و خارج شود از منی و به مکه بیاید پس اگر در ایام تشریق یادش آمد باید برگردد و به جا آورد و اگر متمکن نیست باید نائب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید یا عمداً تعویق بیندازد تا بعد، احتیاط واجب آن است که خودش یا نایبش از مکه برگردد و به جا آورد، و در سال دیگر هم در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

[۷۳۶] م - اگر فراموش کرد رمی جمرات را و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه احتیاط واجب آن است که در سال دیگر قضا کند آن را خودش یا نایبش.

[۷۳۷] م - کسی که بعض از جمرات را فراموش کند حکمش همان است که در دو مسئله‌ی قبل ذکر شد، بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آن انداخت همین حکم را دارد بنا بر احتیاط واجب.

[۷۳۸] م - کسی که عذری داشته باشد از انداختن سنگ مثل

آن که مریض باشد یا طفل باشد که نتواند رمی کند یا علیل باشد مثل آن که دست یا پایش شکسته باشد یا از شدت بی حالی نتواند یا بی هوش باشد باید نایبش به جا آورد، و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل بی هوش و طفل کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او به جا آورد، و احتیاط واجب آن است که تا مأیوس نشده از این که خودش عمل کند نایب عمل نکند و بهتر آن است که اگر می شود شخص معذور را ببرند و در حضور او رمی کنند، و اگر می شود سنگ را در دست او بگذارند و ببندازند.

[۷۳۹] م - اگر بعد از آن که نایب عمل را به جا آورد عذر بر طرف شد آوردن خودش لازم نیست اگر چه احوط است.

[۷۴۰] م - اگر شخص مریض مأیوس باشد از خوب شدن یا شخص معذور مأیوس باشد از رفع عذر، واجب است که نایب بگیرد، و اگر مأیوس نیست می تواند نایب بگیرد، لکن اگر عذر رفع شد احتیاط آن است که خودش عمل کند.

[۷۴۱] م - اگر دیگران مأیوس باشند از رفع عذر معذور، لازم نیست از او اذن بگیرند اگر چه احوط است، و این احتیاط نباید ترک شود و اگر نتواند اذن بدهد اذن معتبر نخواهد بود.

[۷۴۲] م - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند که به جا آورده یا نه اعتناء نکند.

[۷۴۳] م - اگر بعد از انداختن شک کند که کیفیت آن صحیح

بوده یا نه اعتناء نکند.

[۷۴۴] م - اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی را یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده یا نه اعتناء نکند.

[۷۴۵] م - اگر در عدد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر قبل از آن که داخل شود در رمی جمره بعدی باید آنچه محتمل است که کسر شده بیاورد تا یقین کند هفت عدد شده هر چند منصرف از عمل شده باشد و مشغول کارهای دیگر باشد بنا بر احتیاط واجب.

[۷۴۶] م - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده ظاهراً جائز است اکتفاء به قضاء رمی جمره عقبه کند، و احتیاط آن است که هر سه را قضا کند. و این احتیاط نباید ترک شود.

[۷۴۷] م - اگر بعد از آن که داخل در جمره بعدی شد شک کند در عدد قبلی پس اگر بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا بعض از آنها را انداخته یا نه به احتیاط واجب بقیه را اتیان کند اگر چه بعد از اتیان جمره بعدی، و اگر در کمتر از چهار، شک داشته باشد تا مقدار چهار اعتناء نکند و سه سنگ دیگر را بزند.

[۷۴۸] م - اگر بعد از انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمره ناقص شده باید هر چه را احتمال کسری داده به هر یک از سه جمره بزند.

[۷۴۹] م - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه یقین کند که یکی از آنها را از چهار کمتر انداخته بعید نیست جواز اکتفا به کسری جمره‌ی آخری، و احتیاط آن است که جمره‌ی آخری را از سر بگیرد، و احتیاط بالاتر آن است که هر سه را از سر بگیرد و این احتیاط ترک نشود.

[۷۵۰] م - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است باید هر سه روز را قضا کند با مراعات ترتیب.

مسائل متفرقه رمی.

[۷۵۱] م - زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند شب رمی کنند بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

[۷۵۲] م - در طبقه‌ی دوم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه‌ی اول رمی نمایند.

[۷۵۳] م - کسانی که عذر دارند از این که روز عید رمی کنند باید شب همان روز رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می‌توانند بعد از رمی به جا روز عید، در شب یازدهم رمی روم یازدهم را هم انجام دهند.

مستحبات منی

[۷۵۴]م - بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود، و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می‌باشد و بعضی آن را واجب دانسته‌اند و بهتر در کیفیت تکبیر آن است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا رَزَقْنَا مِنْ بِهِيمَةٍ
الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَوْلَانَا.»

و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که اِحیاء نفس کرده باشد و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید. مستحبات دیگر مکه معظمه آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱ - زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲ - ختم نمودن قرآن.

۳ - خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.»

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ.»

۴ - نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن، در اول شب

سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶ - هنگام توقف در مکه بعدد آیام سال یعنی سیصد

و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷ - به خانه کعبه داخل شود خصوصاً کسی که سفر اول او

است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِّئِي مِنْ عَذَابِ

النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد در

رکعت اول بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد،

پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و

بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَيَّ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتِي وَ تَعَبَيْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقْبِلَنِي عَشْرَتِي وَ تُقْبِلَنِي بِرَغْبَتِي وَ لَا تُرْذِنِي مَجْهُوْهَا مَمْنُوعاً وَ لَا حَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»

بگوید پس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ»

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را

استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

استحباب عمره‌ی مفرده

[۷۵۵] م - بدان که بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسور باشد مستحب است عمره‌ی مفرده به جا آورده شود و در اعتبار فاصله بین این عمره و عمره‌ی سابق خلاف است و احتیاط در این است که در فصل کمتر از یک ماه به قصد رجاء به جا بیاورد و کیفیت این عمره در صورت حج افراد و عمره‌ی مفرده ذکر شد.

طواف وداع

[۷۵۶] م - بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجر الاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد و آنچه خواهد دعاء نماید بعداً حجر الاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه به چسباند یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعاء را بخواند: »

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا

يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمُعْفِرَةِ وَ الْبَرَكََةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ
الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ.»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقراء تصدق نماید.

مسائل متفرقه

[۷۵۷] م - در وقتی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.
[۷۵۸] م - سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود، جایز است. و سنگهایی که در «مسجد الحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همین طور در «مسجد رسول الله ﷺ».

[۷۵۹] م - در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل اگر خلاف تقیه، ولو تقیه مداراتی باشد نباید نماز را به جماعت بخوانند و می توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

[۷۶۰] م - تخیر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی دارد و در تمام مکه و مدینه جاری نیست بلی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه داده شده مسجد هم جاری است هر چند احتیاط اقتضای بر مسجد اصلی است پس در تمام مسجد فعلی مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همان طور که می تواند شکسته بخواند.

[۷۶۱] م - در تقصیرهایی که در عمره ی تمتع کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر در حج تقصیر کرد در منی سر ببرد، و اگر ترک کرد آن را و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

[۷۶۲] م - کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضاء می کرد محرم شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند و محل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به واسطه ی احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری که موجب کفاره است به جا آورد باید کفاره بدهد.

[۷۶۳] م - اگر به واسطه ی عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام به پوشد باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لیبیک بگوید، و کافی است،

وهر وقت عذرش بر طرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده به پوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

[۷۶۴] م - کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

[۷۶۵] م - عمره‌ی تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند، پس اگر در یک سال عمره‌ی تمتع به جا آورد و در سال دیگر حج تمتع صحیح نمی‌باشد.

[۷۶۶] م - کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است باید در حالیکه می‌خواهد احرام عمره ببندد نیت آن داشته باشد که عمره‌ی تمتع کند و بعد از آن حج تمتع اگر چه به نیت ارتکازی اجمالی، پس اگر نیت عمره‌ی مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره‌ی تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می‌کند.

[۷۶۷] م - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شک کند که عمره‌ی تمتع را به جا آورده یا نه یا شک کند که صحیح به جا آورده یا نه اعتناء نکند و عملش صحیح است.

[۷۶۸] م - در هر یک از اعمال عمره و حج اگر شک کند بعد از آن که وارد عملی شده باشد که مترتب بر او است اعتناء نکند، چه

شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

[۷۶۹] م - باید عمره‌ی تمتع و حج تمتع هر دو در ماههای حج واقع شود، و ماههای حج، شوال و ذی القعدة و ذی الحجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی القعدة عمره‌ی تمتع به جا آورد و در موقع حج، حج تمتع به جا آورد صحیح است، و اگر قبل از شوال بخواند عمره‌ی تمتع به جا آورد صحیح نیست اگر چه بعضی اعمال عمره قبل از شوال واقع شود و بقیه در شوال یا سایر ماههای حج.

[۷۷۰] م - کسی که به احرام عمره‌ی تمتع وارد مکه شد در صورتی که حج او فوت شده قصد عمره‌ی مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمره‌ی مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و اگر حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

[۷۷۱] م - شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچ یک در حیوانی که برای کفاره‌ی تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

[۷۷۲] م - غیر از هدی تمتع از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استحبابی، جایز است بخورد.

[۷۷۳] م - مصرف کفارات، فقراء و مساکین هستند.

[۷۷۴] م - اگر در حرم چیزی پیدا کرد برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در بر نداشتن است و این احتیاط ترک نشود.

[۷۷۵] م - اگر (لقطه) حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند، و ضامن صاحبش نیست، و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند به احتیاط واجب.

[۷۷۶] م - اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، یا اگر بداند تعریف فایده ای ندارد یا کمتر از یک سال تعریف کند ولی از پیدا شدن مالک مأیوس شود مخیر است بین دو امر: یکی آن که آن را برای صاحبش حفظ کند، در این صورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آن که برای صاحبش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد، و بنابر احتیاط جائز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی شود و ضامن هم می شود.

[۷۷۷] م - کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه ای

انجام دهد که محل شود اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره می تواند محل شود.

[۷۷۸] م - در مسجد النبی ﷺ سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جائی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند مگر آنکه مخالف تقیه و موجب هتک و انگشت نما شدن نباشد که در این صورت باید در محلی قرار گیرد که پیشانی او بر سنگ یا آنچه سجده بر آن صحیح است قرار گیرد، همچنین اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تاکید می شود که از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن باشد اجتناب نمایند.

محصور و مصدود

[۷۷۹] م - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید. و محصور آن است که به واسطه ی مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

[۷۸۰] م - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج،

واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند در بعضی از صور به احرام باقی خواهد ماند ولی بقای احرام در بعضی دیگر از صور معلوم نیست.

[۷۸۱] م - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند و از رفتن مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی زن.

[۷۸۲] م - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

[۷۸۳] م - کسی را که به واسطه‌ی بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

[۷۸۴] م - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آن که حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً

حکم مصدود را داشته باشد.

[۷۸۵] م - اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد باید عمره‌ی مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

[۷۸۶] م - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی‌رسد نمی‌تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحِل شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره‌ی مفرده متحلل شود.

[۷۸۷] م - تحقق پیدا می‌کند مصدود بودن در حج به این که به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می‌کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می‌شود هر چند از روی علم و عمد نباشد، و صور آن سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به این که بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، و ظاهر آن است که به منع از اعمال منی به تنهایی صدّ محقق نمی‌شود و لذا اگر قادر به انجام اعمال پس از منی نیست، باید برای انجام آن نایب بگیرد؛ ولو در سال بعد باشد.

[۷۸۸] م - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترک آنها حتی به غیر عمد حج باطل می‌شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد،

اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آن که در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده باید بعد از رفع منع دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

[۷۸۹] م - کسی که مصدود است اگر امید بر طرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود، گرچه احتیاط مستحب آن است که تا امید بر طرف شدن مانع از بین نرفته است. صبر کند.

[۷۹۰] م - کسی که احرام عمره بست و به واسطه‌ی مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد مُحِل شود باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله‌ی امینی به مکه وبا او قرار داد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، هم نایب و هم منوب عنه قصد تحلیل کنند.

[۷۹۱] م - کسی که احرام حج بست و به واسطه‌ی مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند، و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به منی که در آنجا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

[۷۹۲] م - کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه‌ی مرض، محصور شد زن بر او حلال نمی شود مگر آن که خودش

بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استحبابی بوده بعید نیست کفایت طواف نایب از او، ولیکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

[۷۹۳]م - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند نکرده بوده و شخص محرم در روز موعود مُحِل شد و با زن هم نزدیکی کرد معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند، و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده اجتناب کند گر چه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

[۷۹۴]م - تحقق محصور بودن مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

[۷۹۵]م - اگر مریض بعد از آن که هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به طوری که توانائی رفتن به مکه را داشت باید برود، پس اگر محرم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد و قوف به عرفات فوت می شود باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره ی مفرده بکند، و کافی است از حجة الاسلام. و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده یعنی به

وقت اختیاری مشعر نمی‌رسد عمره‌ی او مبدل می‌شود به عمره‌ی مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره‌ی مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

[۷۹۶] م - مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده مانند او است.

[۷۹۷] م - کسانی که مریض نیستند لکن به علت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه‌ی خونریزی ضعف بر او مستولی شده حکم مریض را دارند، پس اگر حج فوت شده، عمره‌ی مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند، و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

[۷۹۸] م - زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد، و در احرام عمره‌ی تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ وَأَخْرَأَ وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَالسَّلَامُ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَاللَّعْنُ عَلَيَّ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

